

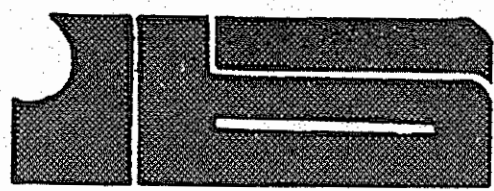
سفر وزیر اقتصاد آلمان به تهران

بن، شنبه ۹ تیر (۲۹ ژوئن): موله من وزیر اقتصاد آلمان فدرال همراه با جنایتی متشکل از ۳۵ نماینده شرکت‌های آلمانی به تهران سفر کرد. در تهران پس از ۱۵ سال کمیسیون اقتصادی ایران و آلمان تشکیل جلسه می‌دهد. این امر به منزله ورود روابط اقتصادی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال به مرحله تازه‌ای از گسترش این روابط است. موله من قبل از سفر به تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی روابط اقتصادی ایران و آلمان را "بسیار خوب" توصیف کرد. موله من گفت که در تهران پیشنهاد خواهد کرد که جمهوری اسلامی از ادامه کار بر روی نیروگاه اتمی بوشهر، که با کمک آلمانی‌ها ساخته می‌شود، صرف نظر کند. به جای این نیروگاه پیشنهاد می‌شود که با مشارکت آلمان یک نیروگاه گازی تاسیس شود.

عقوبین الملل درباره اخراج پناهندگان اعلام خطر کرد

سازمان عقوبین الملل اخیراً طی اعلامیه‌ای از اعمال محدودیت‌ها و تضیقاتی که نسبت به پناهندگان کشورهای خارجی در آلمان ایجاد خواهد شد، ابراز نگرانی کرده است. عقوبین الملل اعلام خطر کرده که دولت فدرال آلمان در چارچوب قانون جدیدش که به زودی به مرحله اجرا در خواهد آمد، امکان دارد که تعداد زیادی از پناهندگانی که در سال‌های اخیر از کشورهای لبنان، عراق، ایران، اتیوپی، سومالی، سریلانکا، افغانستان و... وارد آلمان شده‌اند، از این کشور اخراج کند.

سخنگوی عقوبین الملل با ابراز نگرانی نسبت به جان و تامین زندگی این خیل عظیم پناهندگان یادآور گردید که موجبات شریطی که این پناهندگان را وادار به ترک کشورهایشان کرده است، همچنان باقی است. بقیه در صفحه ۲



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲ تیرماه ۱۳۷۰ شماره ۱۳ سوم ژوئیه ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۱۳

توطئه رژیم جمهوری اسلامی علیه جنبش کردهای عراقی

رابطه با جمهوری اسلامی در دوره آغازین پس از اشغال کویت را یادآور شد، اظهار داشت که "ما انتظار داشتیم که پس از ۸ سال جنگ که صدمات زیادی به هر دو کشور وارد آورد، در مبارزه فعال علیه امپریالیسم (!) در کنار هم باشیم و یا حداقل رژیم ایران از ما جانبداری کند ولی رژیم ج.ا. از پشت به ما خنجر زد، آنها قصد داشتند بخشی از خاک کشور عراق را جدا کنند..."

روزنامه‌های رسمی جمهوری اسلامی نیز این روزها خبر از اتحاد تعدادی از باعطلاح گروهها و سازمانهای اسلامی کرد عراق که در صدد برقراری یک حکومت اسلامی نظیر ایران در عراق بقیه در صفحه ۲

موضعگیریهای مسئولین و ارگانهای دو رژیم نشانه‌های بارزی از حدت تیرگی مناسبات دو رژیم را به نمایش می‌گذارد. اخیراً "طارق عزیز" معاون نخست وزیر عراق در یکی از مصاحبه‌هایش "نیات عاقدانه" دولت عراق در برقراری حسن

که می‌گذرد، بر اثر همکاری، ملاحظاتی و تحریکات متقابل دو رژیم تیره تر می‌شود. تجاوزات مرزی از جانب عراق به ایران و اعزام و نفوذ قوای نظامی ایران به خاک آن کشور و بروز درگیریهای پراکنده بین نظامیان دو کشور به تناوب ادامه دارد. جرایم و

در پی قیام ناکام کردها و شیعیان کشور عراق علیه رژیم صدام در "فرصت مناسب" شکست و عقب نشینی صدام از کویت، روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم عراق که در دوره اشغال کویت رو به بهبود گذاشته بود، تیره گردید و اکنون هر روز

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در پانزدهمین سالگرد آید یاد فدائیان شهیدگرامی باد

در صفحه ۲

تنش زدائی در منطقه خلیج فارس

باشکرت همه کشورهای منطقه امکان پذیر است

بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه ایران در مصاحبه با روزنامه تهران تایمز در هفته گذشته از شورای همکاری خلیج انتقاد کرد و تأمین امنیت منطقه توسط مصر و سوریه را بعید دانست. او امیر نشین های خلیج را متمم کرد که برای اجرای توافقنامه طرح دمشق جمله به خرج می‌دهند. بشارتی گفت که امنیت منطقه باید بر عهده کشورهای منطقه باشد که ایران یکی از مهمترین آنهاست. و سوریه و مصر جزو کشورهای خلیج فارس نیستند.

وزیر خارجه مصر نسبت به سخنان بشارتی عکس العمل تندی نشان داد و گفت: اعراب مسئول امنیت خلیج فارس هستند نه ایران. و مصر به عنوان بزرگترین و پر نفوذترین کشور باید در ترتیبات منطقه حضور داشته باشد.

بقیه در صفحه ۳

مسئله تأمین امنیت منطقه خلیج فارس در جریان بحران خلیج و بعد از خاتمه آن از جانب کشورهای مختلف مطرح شد. شیخ نشین‌ها با تسخیر کویت توسط عراق متوجه عدم کارایی شورای همکاری خلیج و ضرورت تأمین امنیت منطقه شدند. این کشورها که در جریان جنگ

ابر از خشم ایرانیان نسبت به وزیر خارجه رژیم در ژنو

شده‌اند در حال افشای ماهیت خد بشری رژیم بودند. تظاهرات کنندگان ماشین ولایتی را محاصره کرده و آب دهان و تخم مرغ گندیده نثاروی کردند. پلیس او را از صحنه خارج کرد و وی مجبور شد از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی صرف نظر کند. در صحنه ابراز نفرت ایرانیان نسبت به وزیر خارجه رژیم تعداد کثیری

در روز چهارشنبه ۵ تیر (۲۶ ژوئن) جمعی از ایرانیان در ژنو "پذیرایی" شایسته از ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به عمل آوردند. او در حالی که عازم هتل اینترکننتینتال ژنو به قصد برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی بود، با جمعی از ایرانیان مواجه شد که با دادن شعار و داشتن عکس مبارزاتی که به دست رژیم کشته

تفسیر اسطوره‌ها یا اسطوره‌پردازی؟

- مازیا کاکاون در صفحه ۵
- لیبرالیسم یا استبداد فردی در صفحه ۶
- ف-تابان در صفحه ۶
- طرح کار پایه تشکیلاتی در شرایط مهاجرت در صفحه ۸
- جمشید طاهری پور در صفحه ۸
- زنبار از خوش گمانی! در صفحه ۸
- بهزاد کریمی در صفحه ۶

پیشروی آب دریای خزر ویرانی‌های تازه‌ای ببار آورد

نوشهر واحدهای مسکونی چندی منهدم گردید و تعداد بیشتری در محاصره آب قرار گرفته‌اند. در بابلسر و شهرکهای اطراف نیز وضعیتی مشابه وجود دارد. در این منطقه در دریاکنار و خزرشهر خانه‌های زیادی فیر قابل سکونت شده‌اند. در کناره جنوب شرقی دریای خزر خسارات وارده از هرجای دیگری بیشتر است. در بندر ترکمن و دیگر آبادیهای ساحلی ترکمن صحرا و درآشوراده و میانکاله خسارات وارده بر مردم و تاسیسات دولتی فوق العاده است. هزاران تن خانه‌هایشان را از دست داده‌اند. تاسیسات شیلات در محاصره آب از کار باز مانده‌اند. صیدگاهها، سردخانه‌ها و انبارهای خاویار در آب فرغ شده‌اند. هرگاه پیشروی آب با شتابی که هفته‌های اخیر بخود گرفته است ادامه یابد، خطر انهدام و فرغ کامل جزیره پست آشوراده و میانکاله وجود دارد. اگر شتاب پیشروی آب متوقف نشود یک فاجعه واقعی و هولناک رخ خواهد داد. در دو ماهه فروردین و اردیبهشت بر ارتفاع آب دریای خزر ۴۵ سانتیمتر افزوده شده بقیه در صفحه ۲

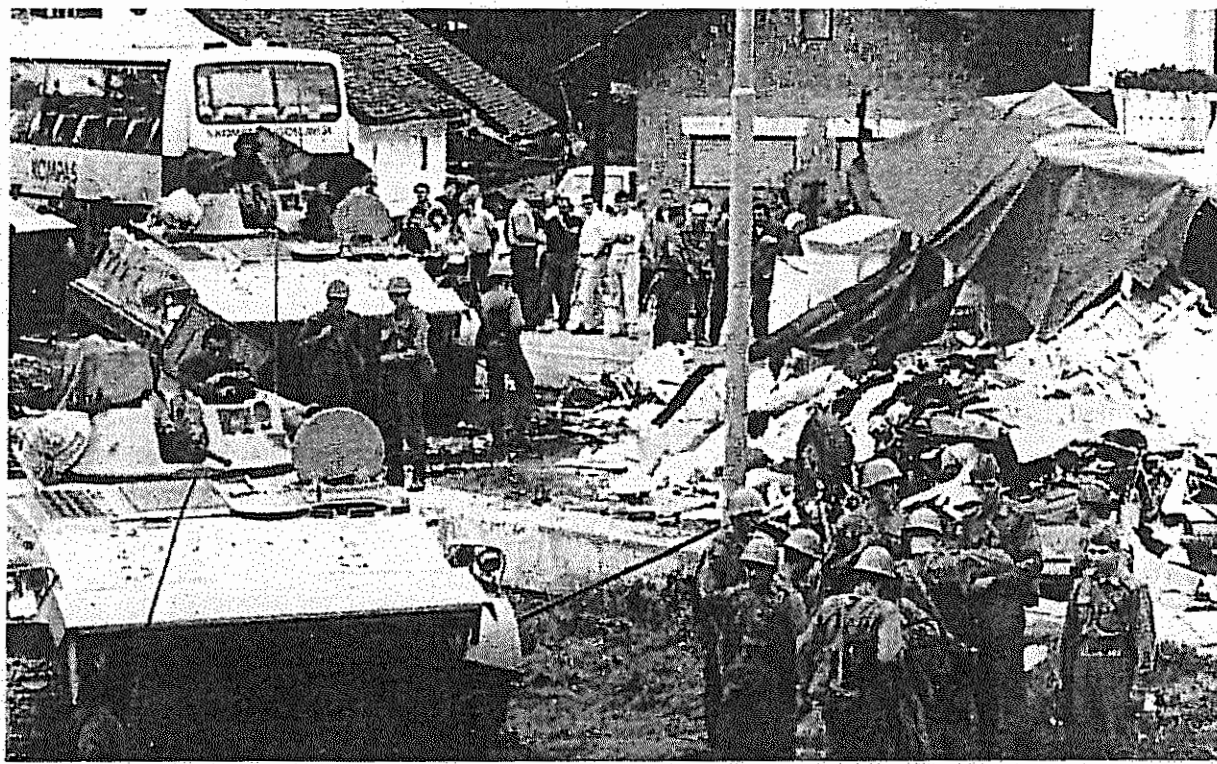
پارلمان‌های این دو جمهوری در روز ۲۵ ژوئن خروج از فدراسیون یوگسلاوی را مورد تصویب قرار دادند. پارلمان بقیه در صفحه ۱۰

پیشروی آب دریای خزر در مناطق ساحلی این دریا در استانهای شمالی کشور هر هفته خسارات و ویرانی‌های تازه‌ای ببار می‌آورد. در سرتاسر نوار ساحلی از آستارا تا ترکمن صحرا کمتر نقطه‌ای است که از ضایعات ناشی از پیشروی و طغیان آب دریا در امان مانده باشد. در منطقه انزلی پیشروی آب باعث شده است که ۲۵۰۰ هکتار شالیزار اصلا به زیر کشت نرود. علاوه بر آن صدها هکتار شالیزار کشت شده نیز منهدم گردید. در همین منطقه بناهای زیادی در محاصره آب قرار گرفته و فیر قابل استفاده شده‌اند. به گفته مسئولین محلی عده بسیاری باید برای همیشه خانه‌هایشان را ترک گویند و در جای دیگری اسکان داده شوند. در منطقه ساحلی لنرود، رودسر، کلاچای و چابکسر مزارع، باغات و واحدهای مسکونی بسیاری با خطر انهدام کامل مواجه هستند. زینجانی که پیشروی آب تا کنون ببار آورده است برای مردم ساحل نشین این شهرها فوق العاده است. در تنکابن و نوشهر و چالوس پیشروی آب دریا تعدادی از آبادیها را با خطر زوبرو ساخته است. در

یوگسلاوی: خطر جنگ داخلی منتفی نشده است

یوگسلاوی بروز کرد. مقاومت محلی در جمهوری‌های کرواسی و اسلوونی پس از اعلام استقلال این دو جمهوری فیر یوگسلاوی بروز کرد.

است، و این هم پاشیدگی از دل یک جنگ داخلی تمام عیار می‌گذرد. درگیری‌های خونین بین ارتش مرکزی و واحدهای مقاومت محلی در جمهوری فیر یوگسلاوی در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ ژوئن شاهد درگیری‌های خونینی بود. این گمان پدید آمد که دیگر از هم پاشیدگی یوگسلاوی قطعی شده



پیشروی آب دریای خزر ویرانی های تازه ای ببار آورد

بقیه از صفحه اول

دورتر از دریاسکان داده شدند. برای چاره جویی در مواجهه با این خطر به ابتکار دولت آذربایجان شوروی کنفرانسی بین المللی در باکو برگزار گردید. در این کنفرانس علاوه بر کارشناسان شوروی و ایران، متخصصینی از چند کشور دیگر نیز شرکت داشتند. این کنفرانس نتوانست راه حل عاجلی بیابد. تنها با تاکید بر خطر، خواستار اقدام یکپارچه بین المللی شد. کنفرانس که روز ۲۷ خرداد ماه به کار خود پایان داد در بیانیه پایانی خواستار سازماندهی موسسه نجات دریای خزر گردید. کنفرانس علاوه بر مقامات دو کشور حاشیه دریا، از دبیر کل سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی حفاظت محیط زیست خواستار اقدامات عاجل و کمک به تاسیس موسسه نجات دریای خزر گردید. شتاب یافتن فاعلیت کننده افزایش ارتفاع آب دریای خزر باعث شد فرضیه های پیشین

است. در ماه خرداد نیز افزایش ارتفاع آب با همین شتاب ادامه یافت. آخرین گزارشها حاکی است که در روزهای اخیر نیز همچنان ارتفاع آب افزایش می یابد. در حالی که در سال پیش افزایش ارتفاع آب در هر سال کمتر از ۱۰ سانت بود. آب دریای خزر در فاصله سالهای ۱۹۹۱-۱۹۷۳ معادل ۱۷۳ سانتیمتر بود.

پیشروی آب دریای خزر در مناطق ساحلی شوروی نیز ضایعات بسیاری ببار آورده است. در کناره ساحلی آذربایجان شوروی و ترکمنستان خانه های مسکونی و تاسیسات صنعتی زیادی در محاصره آب قرار گرفته اند. ساحل نشینان ترکمنستان خانه هایشان را ترک کرده اند و لااقل نیم کیلومتر

پیرامون علت این امر ناکارآلی خود را نشان دهد. پیش از این همماهلت فراز و فرود آب دریای خزر را به دگرگونی در حجم آبهای رودخانه های مربوط می کردند. که آب خود را به دریای می ریزند. در ماههای اخیر حجم آب این رودخانه ها دگرگونی چندانی که بتواند توضیح دهنده این رخداد باشد، نداشته است. اکنون دانشمندان این فرضیه را پیش کشیده اند که بالا آمدن آب دریا ناشی از بالا آمدن تدریجی کف دریاست که بخاطر تغییرات در لایه های تحتانی پوسته زمین حاصل می شود.

همین امروز هم فاقد هر گونه طرح و برنامه ای برای مقابله با آن است. در جلسه ای از هیات دولت که به گفتگو پیرامون مسئله پیشروی دریا پرداخته شد، جز تبادل خبرها هیچ اقدام دیگری صورت نگرفت و هیچگونه تصمیمی اتخاذ نشد. دولت وظیفه دارد که هم اینک برای اسکان مجدد کسانی که خانه هایشان را از دست داده اند و یا منازلشان در محاصره آب قرار گرفته است اقدام کند. خسارات وارده بر آنها، کشاورزان، باغداران و صیادان را جبران کند، برای سد بندی در مناطق پست و کم شیب از همه امکانات بویژه امکانات نیروهای مسلح استفاده کند. همراه با این حداقل اقدامات که باید فوراً صورت گیرد، دولت موظف است ارگان ویژه ای را برای مواجهه با این واقعه و طراحی اقدامات آتی سازمان دهد. در غیر اینصورت و هرگاه بر خورد بی تفاوت و غیر مسئولانه رژیم ادامه یابد، چه بسا که فاجعه ای هولناک بروز کند.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در پانزدهمین سالگرد تیر یاد فدائیان شهید گرامی باد

پانزده سال از هشتم تیرماه ۱۳۵۵، روز شهادت رفیق حمید اشرف و گروه بزرگی از رهبران و کادرهای جنبش فدائیان خلق میگذرد. در این روز، دلاوران فدائی در پیکاری نابرابر با عمال رژیم دیکتاتوری شاه، جان بر سرآمانهای والای خویش نهادند. به احترام شهدای هشت تیر و رفیق حمید اشرف که یادگار نخستین نسل از رهبران جنبش فدائیان بود و پنج سال در دشوارترین شرایط، سازمان را رهبری کرد، هشتم تیر روز شهیدان فدائی نام گرفت. فدائیان خلق، در پانزده سال گذشته در هر کجا که بوده اند، و به هر شکل که مبارزه با استبداد و استمگرایی را پی گرفته اند، روز شهیدان گرامی داشته اند و با آرمانهایی آنان تجدید پیمان کرده اند. حمید اشرف مظهر تعهد و مسئولیت بود. او در هر لحظه از حیات حماسی خود، یگانگی گفتار و کردار، مسئولیت پذیری، نقد مداوم اندیشه و عمل و تحول جوئی را به یاران می آموخت و شهادت او ضایعه سنگینی برای جنبش فدائیان بود. در این پانزده سال، فدائیان خلق در تداوم پیکار خویش، شاهد رخدادهای سیاسی بزرگی در کشور بوده اند، از آنها تاثیر گرفته اند و فراخور اندیشه و توانشان بر آنها تاثیر نهاده اند. فدائیان خلق در سالهای اخیر شاهد تحولات عظیمی در مقیاس جهان بوده اند و از این حوادث طوفانی و درس آموز، تاثیر پذیرفته اند. فدائی خلق امروز، با آنچه که دیروز بود، تفاوت بسیار کرده است. و همچنان در حال آموختن و دگرگونی است. تحولات در صفوف مادر پیوند با سنن و میراث درخشان دیروزین ما قرار دارد. آزادی، دموکراسی، عدالت و ترقی ایران، چون روز نخست آرمانهایی والای فدائیان است. هر تحول و نو جوئی در میان ما کوششی است برای آنکه این اهداف بزرگ و انسانی تحقق پذیرد.

رژیمهای دیکتاتوری سلطنتی و استبداد ولایت فقیه، در دشمنی با اهداف والای دموکراسی، ترقی و عدالت، صدها نفر از بهترین یاران ما را در شکنجه گاه ها و میدانهای اعدام از پای در آورده اند. ولی آنان در اندیشه ابریمی خود، برای بریز کشیدن پرچم خونین فدائیان خلق که این اهداف بر روی آن نقش پایدار بسته است، ناکام مانده اند، چرا که فدائی خلق ریشه در آرزو و خواست مردم ایران برای رسیدن به سعادت و بهروزی دارد. این آرزوها که اکنون از سوی حکومت فتنه به شدت سرکوب میشوند، مردم بیشتر شعله میکشند و همچنان اگر چه به بهای رنج و درد بسیار، نیروی تعهد و فداکاری را در چهره پیکار گران آزادی و عدالت از دل خویش بیرون میدهند. این آرزوها که باید تحقق پذیرند به عمل متعهدانه و نوسازی مداوم اندیشه و عمل نیاز دارد و به اتکاء پیکار مردم، قطعاً تحقق خواهد یافت. فدائیان خلق با این باور، روز شهیدان شانزدهمین سالگرد شهادت یاران دلاور خویش را گرامی میدارند و با مبارزه پیگیر در راه آزادی و عدالت، میثاق با شهیدان را تجدید میکنند. جاودان باد نام و آرمان شهیدان فدائی خلق! گرامی باد خاطره همه شهدای راه آزادی!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هشتم تیرماه ۱۳۷۵

عقوبین الملل در باره اخراج پناهندگان اعلام خطر کرد

بقیه از صفحه اول

دولت مرکزی محول کند. تاکنون هر یک از دولت های فدرال در چارچوب سیاست های محلی با تفاوت هایی کم و بیش مستقل عمده دار انجام آن بوده اند.

دولت های این کشورها کمترین توجهی به اجرای منشور حقوق بشر ندارند و سرکوب همچنان ادامه دارد. هنوز بین الملل دولت آلمان را از اجرای قانون جدید و اعمال تضمینات بر حذر داشته است. هم اکنون نیز قبل از اجرای قانون مزبور محدودیت هایی در اینجا و آنجا نسبت به پناهندگان اعمال می شود. دولت آلمان فدرال همچنین برای متمرکز کردن در اعمال سیاست واحد نسبت به کلبه پناهندگان تصمیم گرفته است که امر تقاضا و تامین پناهندگی را به

توجه به حقوق منحصر در منشور حقوق بشر برای پناهندگان در صدد اقدام به چنین کاری است و موجبات نگرانی عددا هزار خانوار پناهنده متقیم آلمان را فراهم آورده است.

خارجی بسیاری از کشورها را شامل می شود لذا از نظر نیروی انسانی برای اعتراض و مقاومت از امکانات بالقوه گسترده و زیادی برخوردار است. اقدام عملی مقتضی و متحد همه پناهندگان و کانون های پناهندگی در اعتراض و مقابله با تصمیم دولت آلمان روشنگری و توضیح تبعات زیان بخش و خطرات آن بویژه برای افکار عمومی مردم آلمان و جلب توجه و حمایت احزاب و محافل مترقی و مردم این کشور می تواند در رفع تضییقات و تجدید نظر در قانون یاد شده و یا اجرای آن تاثیرات معینی داشته باشد.

“خانه دوست کجاست؟”

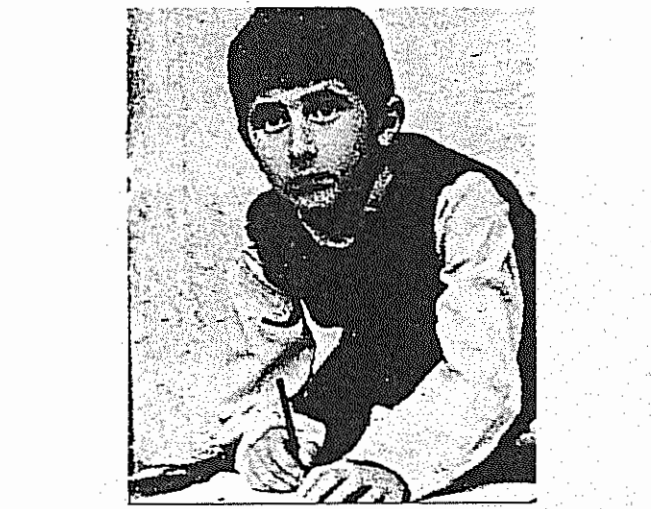
در جشنواره سینمایی مونیخ که در هفته گذشته برگزار شد، برای دومین بار فیلم “خانه دوست کجاست؟” اثر برجسته عباس کیارستمی به تماشا گذاشته شد. این فیلم همچون سال گذشته تحسین همگان را در جشنواره برانگیخته است. علاوه بر فیلم کیارستمی چند فیلم ایرانی دیگر برای کودکان در جشنواره مونیخ به نمایش نهاده شد. این فیلم ها عبارت بودند از: “دونده” ساخته امیر نادری، “باشو، قریبه

توطئه رژیم جمهوری اسلامی علیه جنبش کردهای عراقی

بقیه از صفحه اول

مذاکره با حزب بعث و رژیم عراق مستند. خبرگزاری جمهوری اسلامی از زبان شخصی بنام “برر اسماعیل” هشو یکی از این گروه های مجبور المویه بنام “حزب الله انقلابی کرد عراق” اظهار داشت که در این راه

هستند، می دهند. بنابه ادعای این روزنامه ها، این “گروه های اسلامی کرد عراق” در حال تشکیل یک جبهه جدید اسلامی مخالف هرگونه سازش و مصالحه و



محمد رضا محمدزاده، او در فیلم کیارستمی به دنبال “خانه دوست” است.

سازمانها و گروه های مشابه دیگری از قماش “حرکت اسلامی کرد”، “حزب الله کرد”، “مجاهدین کرد”، “حرکت انصار الاسلام کرد”، “حکمت خندان الله کرد”، برای تشکیل چنین جبهه با قید اعتقاد به ولایت فقیه دعوت شده اند. رهبر “حزب الله انقلابی کرد عراق” شخصی بنام “ادهم بارزانی” است که در مجلس اهلی انقلاب اسلامی عراق عضویت دارد. ادعا و تبلیغ برای سرهم کردن چنین جبهه ای در واقع امر بدیل

زیر چاپ: کتاب کنگره اسناد، مباحثات و طرح های پیشنهادی در نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

کمک های مالی رسیده: کمک به دومین کنگره سازمان رفقای تشکیلات هلند. یک روز حقوق کمک به دومین کنگره سازمان. اعضای شورای مرکزی. یک روز حقوق از بلژیک: باکد فدایی شهید اسدالله پژمان ۱۰۰۰ فرانک باکد فدایی شهید سیامک ۱۰۰۰ فرانک برای کنگره دوم: کمک به دومین کنگره سازمان ۳۰۰۰ فرانک از بلژیک کمک به دومین کنگره سازمان. رفقای تشکیلات هلند. یک روز حقوق کمک به دومین کنگره سازمان. اعضای شورای مرکزی. یک روز حقوق

تنش زدائی در منطقه خلیج فارس

باشکرت همه کشورهای منطقه امکان پذیر است

بقیه از صفحه اول

نامه‌ای هم در دمشق بین این کشورها امضاء شد. این طرح به پیمان ۲+۶ مشهور شد.

هدف دولت بوش از تشکیل این پیمان تثبیت موقعیت مسلط آمریکا در منطقه، تامین امنیت صدور نفت از منطقه، تحکیم رژیم‌های حاکم بر این کشورها و جلب سوریه بود. آمریکا با طرح این پیمان می‌خواست از یک سو بر جمهوری اسلامی فشار آورده و از کسرتش بنیادگرایان منطقه جلوگیری کند و از سوی دیگر به جمهوری اسلامی تفخیم کند که در صورت کنار آمدن با آمریکای توانمند در این پیمان جایی داشته باشد.

رژیم جمهوری اسلامی بشدت نگران شکل گیری این پیمان بود و تشکیل آن را به ضرر خود تلقی می‌کرد. به همین خاطر تلاش نمود که جلو تشکیل آن را بگیرد. حبیبی معاون رئیس جمهور به سوریه مسافرت کرد و با حافظ اسد ملاقات نمود. حافظ اسد به او اطمینان داد که از شرکت ایران در پیمان امنیت منطقه دفاع خواهد کرد. اگر چه در جریان سفر رفسنجانی به دمشق، شرکت ایران در این پیمان را به دلایل تکنیکی غیر محتمل می‌خواند. جمهوری اسلامی در مقابل طرح آمریکا اعلام نمود امنیت منطقه تنها توسط خود این کشورها می‌تواند تامین شود. ایران یکی از کشورهای قدرتمند و مهم منطقه است و با کنار گذاشتن آن نمی‌توان امنیت منطقه را تامین کرد. جمهوری اسلامی طرحی را پی گرفت که به پیمان ۱+۶

معروف شده است.

این طرح ایران و عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس را در بر می‌گرفت.

کشورهای اروپائی از جمله فرانسه و آلمان از ایفای نقش ایران در امنیت منطقه خلیج فارس دفاع می‌کنند. آنها طرح ۲+۶ را در جهت تثبیت تسلط آمریکا و تضعیف هر چه بیشتر موقعیت کشورهای اروپائی در منطقه می‌دانند. لذا این کشورها در جهت گسترش مناسبات خود با جمهوری اسلامی بر آمده‌اند تا از این طریق مواضعشان را تقویت کنند. ایران هم شدیداً به جلب حمایت اروپائی‌ها دارد تا بتواند از فشار آمریکا بکاهد و در روندهای منطقه تأثیرات بیشتری داشته باشد.

این کشمکشها هم چنان ادامه دارد. طرح آمریکا از توافق نامه دمشق فراتر نرفته است. ایران بر تلاشهای دیپلماتیک خود برای جلب کشورهای دیگر افزوده است. مناسبات با شیخ نشین‌ها بهبود یافته و رابطه با عربستان مجدداً برقرار شده است. دولت رفسنجانی از دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه دوری می‌جوید و می‌کوشد خود را متعهد به پذیرش اصول حاکم بر روابط بین‌المللی نشان دهد تا بتواند بدین وسیله زیان‌های ناشی از سیاست‌های ده ساله گذشته را جبران کند و در حوزه خلیج فارس نقش‌لازم را ایفا نماید. کشورهای خلیج فارس نیز در جهت گسترش روابط با ایران حرکت می‌کنند و در مواردی نیز از شرکت ایران در حل و فصل مسائل منطقه و تامین

دولت رفسنجانی، طلبکار است

برای شنیدن شروط ایرانیان میهن پرست و آزادیخواه در رابطه با موضوع بازگشت امن و آزاد مهاجرین به داخل کشور وجود ندارد، بلکه بحث حداکثر و هم‌دستا به بازگشت گروهی از صاحبان سرمایه و پول اختصاص دارد.

دولت رفسنجانی به هیچوجه در اندیشه دلایل خروج انبوه بزرگی از ایرانیان از کشور نیست و لاجرم در فکر تغییر اساسی شرایط اختناق و خودکامگی حاکم بر کشور نمی‌باشد. نتیجه عملی سخنان حبیبی فقط این می‌تواند باشد که ایرانیان خارج شده از کشور باید اول در محکمه‌های رژیم توضیح بدهند چرا بطور "تغییر قانونی" از کشور خارج شده‌اند! معنی روشن این توضیح در جمهوری اسلامی هم برای همگان معلوم است: بازداشت و تحت فشارهای مختلف قرار گرفتن. آقای حبیبی می‌داند که شرط مطر و حه از سوی ایشان به چه معنی است! در واقع همه ایرانیان مخالف با حاکمیت و استبداد فقهاتی بر کشور و مخالف با سیاست‌های رژیم حاکم، به نحوی از انحاء و بنا به تفسیرهای خود در خانه مأموران حکومتی، مشمول شرط ایشان می‌شوند. زیرا آنها در موضع مخالف با استبداد و ارتجاع حاکم بر کشور مجبور بوده‌اند برای در امان ماندن از پیگرد گزیده‌های رژیم، کشور را بطور "تغییر قانونی" ترک گویند.

این موضع گیری‌ها، بیانگر آن است که رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود، در برابر هزاران ایرانی مهاجرت کرده از کشور تاجه اندازه خود راطلبکاری می‌داند!

افکار نظرهای نمایندگان جناح‌های مختلف حکومتی در رابطه با برخورد رژیم با ایرانیان خارج از کشور همچنان ادامه دارد.

مفتی گذشته، حبیبی معاون اول رئیس جمهور در جریان یک کنفرانس خبری به منظور تشریح نتایج جلسه هیات دولت، با اشاره به این موضوع، موضع عملی دولت را چنین تصریح کرد: "کسانی که بطور غیر مجاز از کشور خارج شده‌اند و مسئله دیگری ندارند در صورت مراجعه باید به جرم خروج غیر قانونی آنها از کشور رسیدگی شود." او در همین حال، برای آنکه مضمی توجه آفرینی دولت رفسنجانی همچنان ادامه داشته باشد تا در شرایط مساعد درون حکومتی برخی اهداف محدود آن تحقق یابد، اعلام داشت: "اگر هر حال ما در حال بررسی راه‌هایی هستیم که راه را برای بازگرداندن آنها به کشور هموار گرداند."

از سوی دیگر قربانعلی صالح‌آبادی از نمایندگان سرشناس جناح افراطیون "خط امام" در مجلس شورای اسلامی، با تقسیم بندی ایرانیان در خارج از کشور به دو دسته، با هر راهی برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور به ایران مخالفت کرد و گفت: آنها نیکه قبل از انقلاب رفته‌اند، دیگر هویت ملی ندارند و در فرج بیگانه حل شده‌اند و آنجایی هم که بعد از انقلاب رفته‌اند، خائن بوده‌اند!

آنچه که از سوی نمایندگان شاخص ائتلاف مسلط و جناح افراطی حزب الهی‌ها بیان می‌شود، به روشنی نشان می‌دهد که نه تنها در حکومت گوش شنوایی

امنیت آن سخن می‌گویند. بدون شک تنش زدائی، حل اختلافات بین کشورهای منطقه، گسترش همکاری بین آنها و تامین امنیت این کشورها بعد از جنگ خلیج فارس به یک امر ضروری تبدیل شده است. تنش زدائی و تامین امنیت این کشورها نمی‌تواند با کنار گذاشتن این یا آن کشور منطقه فراهم شود. کنار گذاشتن هر یک از این کشورها بویژه کشورهای نیرومند می‌تواند خود به عامل تشنج تبدیل گردد. به علاوه هر پیمانی که به تسلط کشورهای خارجی در منطقه منجر گردد به ثبات در منطقه کمک نخواهد کرد و خود عامل بی‌ثباتی و تشنج خواهد بود.

رژیم‌های منطقه بخشا پیمان امنیت منطقه را برای حفظ دیکتاتوری خود طلب می‌کنند و در فکر آنند که از نیروهای دیگر کشورها علیه جنبش‌های آزادیخواهانه کشور خودی در مواقع بحرانی استفاده کنند. طبعاً این نوع پیمان‌ها نه در جهت دمکراتیزه کردن منطقه و حل مسائل آن، بلکه در خدمت تثبیت رژیم‌های مستبد خواهد بود. به همین خاطر پیمانی که با این هدف تشکیل شود علیه مردم این کشورها بوده و در خدمت نیروهای مرتجع قرار خواهد گرفت. آنچه ضرورت جهان امروز و منطقه خلیج فارس است همکاری نزدیک کشورهای این منطقه برای تنش زدائی، تامین دمکراسی، حل مسائل ارضی و مقابله با نیروهای توسعه طلب و تسلط کشورهای خارجی به ویژه دولت آمریکاست.

کار خود بیانیهای انتشار داده، بدون این که در آن از تجدیدات مشخص اقتصادی سخن رود. این اجلاس نتوانسته است سیاست‌های اقتصادی سه قطب ژاپن، آمریکا-کانادا و اروپای غربی را به یکدیگر نزدیک کند و اختلاف منافع آنها را بپوشاند. با این وجود در وضعیت جدید جهانی بر اهمیت اجلاس سران هفت کشور صنعتی افزوده شده است.

رابطه شمال و جنوب و رابطه با شوروی دو نکته مهمی هستند که در دستور کار این اجلاس جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. در اجلاس امسال ممکن است سران هفت کشور صنعتی درک مشترک خود را از جنبه اقتصادی "نظم نوین جهانی" به بیان درآورند. میخائیل گارباچف رهبر شوروی خواهان آن شده بود که امسال در اجلاس گروه ۷ شرکت جوید. این تقاضا مورد قبول سران هفت کشور صنعتی واقع نشد. آنها فقط پذیرفتند که گارباچف در حاشیه این اجلاس حضور داشته باشد. اجلاس اصلی که به پایان رسید، سران گروه ۷ با گارباچف تشکیل جلسه خواهند داد. انتظار نمی‌رود که سران هفت کشور صنعتی به گارباچف وعده کمک ویژه‌ای برای بازسازی اقتصادی شوروی بدهند. در اجلاس سال گذشته که در هوستون (آمریکا) برگزار شد، سران هفت کشور کمک به شوروی را منوط به فاصله گیری بیشتر این کشور از اقتصاد سوسیالیستی کردند.

اختیار پایین نمایندگان کشورهای در آنها و نیز کثرت نمایندگان شرکت کننده قادر نبوده‌اند به خطوط هماهنگ کننده‌ای برای اعمال و اجرای سیاست‌های مشترک اقتصادی در بعد جهانی دست یابند. آنها چاره را در نشست هر ساله سران قدرتمندترین کشورهای می‌دیدند. پیشنهاد آنها مورد استقبال واقع شد و در سال ۱۹۷۵ برای نخستین بار برای تعیین سیاست‌های مشترک اقتصادی اجلاس سران آمریکا، ژاپن، آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و انگلستان در رامبوله در نزدیکی پاریس برگزار گردید. از سال ۱۹۷۸ کانادائیز به این جمع افزوده شد. در رامبوله توافق شد که موضوع اجلاس هر ساله سران هفت کشور قدرتمند صنعتی تبادل نظر و دستیابی به همفکری در زمینه‌های زیر باشد: سیاست ارزی، سیاست‌های هدایتگر در سطح اقتصاد کلان، تجارت جهانی، انرژی و رابطه شمال و جنوب. معمولاً چند هفته قبل از تشکیل اجلاس سران، وزرای دارای هفت کشور صنعتی تشکیل جلسه داده و مشورت‌های اولیه را بر روی دستور کار اجلاس اصلی صورت می‌دهند.

به اعتقاد غالب صاحب نظران اقتصادی و سیاسی بین‌المللی تاکنون اجلاس سران گروه ۷ انتظاری را که مبتکران این اجلاس از آن داشته‌اند، برآورد نکرده است. تاکنون هم‌دستا این گوته بوده است که اجلاس در پایان

یادداشت اقتصادی اجتماعی

خرید و فروش کوپن

بهر روز خلیج

گاهی یک کوپن چندبار تحویل و تحول می‌شود. گلوگاه اول بارچندانی برای بازار معاملات کوپن ندارد ولی دو گلوگاه دیگر منشأ اصلی سرازیر شدن کوپن‌ها به بازار است.

در حقیقت بازار اصلی کوپن دست کسانی است که نه در خیابان‌ها آفتابی می‌شوند و نه در سوا و گره‌های ایستاده در پیاده‌روها راتحمل می‌کنند و نه ماموری دنبالشان می‌کند. آنها فقط پول‌های کلان را از طرقی که در بالا گفتیم به جیب می‌زنند. بخش عمده کاسبکاران پیاده‌روها و میدان‌ها بازار کارفشار تگران پشت پرده هستند. اخباری که در طی چند سال در زمینه باندهای سوا استفاده و جعل کوپن در مطبوعات منعکس شده است، این واقعیت را نشان می‌دهد.

بخشی از عاجبان صنوف نیز از سیستم کوپن سوا استفاده می‌کنند. فروشنندگان کالاهای کوپنی را نمی‌فروشند ولی آنها را با نرخ بالاتر بازار آزاد عرضه می‌کنند و از این طریق پول زیادی بدست می‌آورند. این دسته از فروشنندگان به بازار کوپن مراجعه می‌کنند و کوپن‌های باطله را با قیمت ارزان خرید و به صنف مربوطه تحویل می‌دهند. این سیستم موجب شده است که زمینه کالاهای کوپنی در بازار کاهش یابد و کوپن‌ها در دست مردم باد کند و الزاماً به بازار کوپن سرازیر شود.

کوپن که در ابتدا به عنوان وسیله دریافت کالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود، مدتهاست که جدا از کالاهای در جامعه مال‌ززش پیدا کرده و به خرید و فروش می‌رسد. در سال ۶۶ مجلس شورای قانونی را تصویب کرد که به موجب آن جرگه سوا استفاده و یا اختلال در امر توزیع کوپن کالاهای اساسی و سوخت با مجازات مواجه خواهد شد. ولی این قوانین تأثیری بر این پدیده ناعجاب‌انگداشت و امروز خرید و فروش کوپن هم چنان ادامه دارد.

در میان کوپن فروش‌ها همه گونه افراد دیده می‌شود. روستائیان کنده شده از ده، کارگران بیکار، دانش آموزان، دبیلج‌ها، کارمندان، معلمین و فقیهه، بیکاری و نداشتن تامین معیشتی دلیل اصلی روی آوردن آنها به خرید و فروش کوپن است. یکی از کوپن فروش‌ها به خبرنگار کیهان می‌گوید: "من چهار سال پیش از آذربایجان به تهران آمدم. نقاش ساختمان هستم. صبح ساعت ۵ میروم میدان، اگر کار بانئی بود میروم سر کار. اما اگر کاری نبود می‌آیم اینجا. کوپن از این دست می‌خرم و با آن دست می‌فروشم." یکی دیگر از کوپن فروش‌های می‌گوید: "من محصل سوم راجعائی هستم. مانو خانواده‌مان ۱۱ نفر هستیم. پدرم که آشپز یک هتل بود سه ماه پیش پایش شکست و توی خانه افتاد. برادرم هم مریض شده و نمیتواند کار کند. شوهر خواهرم هم چون مرده خواهرم و بچه‌هایش در خانه ما هستند و من تنها باید خرج ۱۴ نفر آدم را بدهم."

این سؤال همیشه در بین مردم مطرح است که این همه کوپن از کجا می‌آید و چگونه به بازار کوپن راه می‌یابد؟ در سیستم توزیع سه گلوگاه وجود دارد. یکی از این گلوگاه‌ها مردم هستند. برخی با پول ندارند تا با قیمت دولتی جنس بخرند. کوپن خودشان را می‌فروشند تا از پول آن درددیگرشان را مداوا کنند. برخی دیگر به کوپن ضروری‌تر احتیاج دارند. مثلاً کوپن پودر و یا قند را می‌فروشند و کوپن گوشت و برنج می‌خرند. گلوگاه دیگر بانک‌ها هستند که کوپن‌ها را توزیع می‌کنند. از این کانال سوا استفاده‌های زیادی صورت می‌گیرد و کوپن زیادی به بازار راه می‌یابد. مأمورین بانک‌ها به برخی افراد کوپن می‌دهند ولی شناسنامه و دفترچه آنها را محر نمی‌زنند. گلوگاه سوم هنگام تحویل کوپن توسط واحد صنعتی به بانک است که در اینجا هم زودبندگانی صورت می‌گیرد و راجع‌خوانند.

در یادداشت اقتصادی شماره‌های قبل نشریه‌کار در مورد رشد سرطان گونه مشاغل کاذب بعد از انقلاب بجهن مطالبی طرح شد. در این شماره نشریه به "خرید و فروش کوپن" به عنوان یکی از نمونه‌های این مشاغل اشاره می‌کنیم.

ستاد بسیج اقتصادی بعد از شروع جنگ ایران و عراق، سیستم سهمیه بندی و کوپنی کردن کالاهای اساسی را در سراسر ایران به اجرا گذاشت. از آن زمان تاکنون این سیستم توزیع اجرا می‌شود. کوپن‌ها توسط ستاد اقتصادی تهیه و در اختیار بانک‌ها قرار می‌گیرند. بانک‌ها کوپن‌ها را به مراجعینی که دارای دفترچه بسیج هستند، تحویل می‌دهند. آنها باید در فاصله زمانی اعلام شده برای هر یک از کوپن‌ها به واحد‌های صنعتی مراجعه و کالاهای با قیمت دولتی دریافت دارند.

بکارگیری سیستم کوپنی توزیع کالاهای اساسی منجر به شکل گیری و رشد پدیده‌های ناانگار در جامعه گردیده است. از جمله این پدیده‌ها پیدایش شغل کاذبی به نام "خرید و فروش کوپن" است که بخشی از نیروهای کار جامعه را بلعیده و به یکی از عوامل فساد در کشور تبدیل گردیده است. کوپن‌ها هر روز در میان صدها هزاران دست پنجهان و آشکار در مراکز مخصوصی می‌چرخد و خرید و فروش می‌شود. کوپن فروش‌ها را بیشتر در مراکز مشخصی می‌توان مشاهده کرد. آنها صبح زود در این مراکز جمع می‌شوند و انواع کوپن‌ها را می‌خرند و یا می‌فروشند: باطله، اعلام نشده، اعلام شده، تعویضی... کوپن فروش‌ها همیرقم بر خورد شدیدی مأمورین در سرها و شرما و در کنار پیاده‌روها و میدان‌ها کار خود را ادامه می‌دهند. آنها تمام نامالیمات را به جان می‌خرند تا بلکه از این راه درآمدی کسب کرده و زندگی خانواده خود را بچرخانند.

فرهنگنامه روز

اجلاس سران

هفت کشور صنعتی

در نیمه ماه ژوئیه اجلاس سران هفت کشور قدرتمند صنعتی در لندن برگزار خواهد شد. این کشورها که اجتماع آنها به گروه ۷ (در برابر گروه ۷۷ که کشورهای فقیر و به اصطلاح رشدیابنده را در بر می‌گیرد) مشهور است، عبارتند از ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کانادا، آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و انگلستان. در اجلاس سران این کشورها، رئیس کمیسیون بازار مشترک اروپائی نیز شرکت می‌جوید. مبتکرین تشکیل اجلاس هر ساله سران هفت کشور صنعتی، هلموت اشمیت صدراعظم پیشین آلمان فدرال و رئیسکار دیستن رئیس جمهور پیشین فرانسه بوده‌اند. آنها بر این نظر بودند که نهادها و کنفرانس‌های هماهنگ کننده سیاست‌های اقتصادی جهان سرمایه‌داری یا به دلیل محدود بودن وظایف آنها و یا به دلیل حد

سه‌میه ارزی واحدهای تولیدی کاهش یافت

بر خلاف تبلیغات یک سال گذشته مسئولین رژیم، معاون وزارت بازرگانی اظهار داشت در سال جاری دولت حتی قادر به تامین سه‌میه ارزی واحدهای تولیدی در حد سال گذشته نیز نخواهد بود. تاکنون مقامات مسئول وعده می‌دادند که اینک دولت توان تخصیص ارز به واحدهای تولیدی به میزانی بیش از گذشته را دارا است. معاون وزارت بازرگانی

وزیر جهاد سازندگی:

اشتغال در ژاپن منبع تامین ارز است

دولت مقرر کرده است که وزارت کار در ژاپن و کشورهای مشابه برای سازماندهی اعزام و اشتغال بیکاران ایرانی دفترو ویژه‌ای مستقر نماید. در همین حال روزنامه‌های تهران خبر دادند که در چهل روز آخر فصل بهار جمعا ۱۲۵۰ ایرانی از ژاپن اخراج شدند. آنها بخشی از ایرانیانی هستند که طی این مدت در ژاپن توسط پلیس دستگیر و یا بازرسی گردیدند.

بنیاد مستضعفان بی حساب و کتاب است

بنیاد مستضعفان طی هفته‌های آتی بخشی از سهام کارخانه‌های تولیدی خود را در بازار بورس به معرض فروش خواهد گذاشت. این خبر را معاون بنیاد مستضعفان در اختیار مطبوعات نهاد. وی در پاسخ به این پرسش که بنیاد تاکنون چه مقدار از املاک و اموال مصادره شده را به فروش رسانده است، گفت: آمار دقیقی نمی‌توان ارائه داد! از آنجا که تمامی اموال و املاک مصادره شده سال‌های اخیر در اختیار بنیاد است. خبرنگار پرسید: کل تعداد احکام صادره دادگاه‌ها چقدر است. معاون بنیاد پاسخ داد: تعداد احکام قطعی را به راحتی نمی‌شود آمار داد! سقارش خرید ۸/۵ میلیون تن آهن از خارج در سال ۱۳۶۹ جمعا ۸/۵ میلیون تن آهن به‌جای ۴ میلیارد و ۳۴۰ میلیون دلار از خارج کشور

خریداری گردید. یکی از مقامات وزارت بازرگانی که این خبر را اعلام کرد افزود با وجود این خرید انبوه، در بازار کشور همچنان کمبود آهن آلات وجود دارد. وی یکی از علل این کمبود را وجود مشکلات حمل و نقل نامید که باعث می‌شود محمولات خریداری شده در مبادی ورودی بمانند. این مقام گفت ۵۰ هزار تن آهن آلات تنها در انبارهای انزلی و چلچراغ رسوب کرده‌اند. مطابق برآوردهای وزارت بازرگانی نیاز کشور به آهن آلات سالانه حداکثر ۹ میلیون تن است. یکی از معاونین وزارت بازرگانی در گفتگوی دیگری با خبرنگاران اعلام داشت وزارت صنایع و فلزات در سال گذشته نتوانسته است به تصد خود مبنی بر تولید و تحویل یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن آهن عمل نماید.

توقیف فیلم‌های مخملباف

وزارت ارشاد اہلام داشت که فیلم‌های نوبت هاشقی و شب‌های زاینده رود توقیف شده‌اند. این دو فیلم که ساخته محسن مخملباف می‌باشد، مدت‌ها است که مستمسک درگیری‌های شدید دست‌اندرکاران امور فرهنگی رژیم و برخی از مطبوعات شده است. قشربون با بهانه کردن این فیلم‌ها وزارت ارشاد را به شدت مورد تعرض قرار دادند. وزارت ارشاد که پیش از آن ستاریوی فیلم را تصویب کرده بود، در برابر این یورش پس‌نشست و از صدور مجوز پخش خودداری ورزید. معاون وزارت ارشاد که خبر توقیف این دو فیلم را اعلام کرد، مدعی شد دستور منع پخش فیلم نوبت هاشقی در بهمن ماه سال گذشته توسط "شورای بازبینی فیلم" صادر گردید. در حالیکه در جمعه ماه‌های اخیر هیچ یک از مقامات این وزارت‌خانه اشاره‌ای به توقیف آن نکرده بودند. معاون وزارت ارشاد ذکر نکرده تصمیم به توقیف فیلم شب‌های زاینده رود در کدام ارگان گرفته شده است.

کمی پیش از اعلام رسمی ممنوعیت پخش این دو فیلم مخملباف، دکتر عبدالکریم سروش در دفاعی سرسخانه از فیلم نوبت هاشقی، مخالفین را "یک مشت ناشیست" و جنجالگر حرف‌های امید که با هیامو زمام معرفت و فرهنگ مملکت را در دست گرفته‌اند.

آمارهای صنعتی تنها در

اختیار بر نامه ریزان قرار میگیرد

ماه گذشته در اراک سمینار "آمار و صنعت و کاربرد آن" برگزار گردید. از جمله سخنرانان این سمینار مدیر بخش آمارهای صنعتی-بازرگانی مرکز آمار ایران بود. وی طی سخنان خود اظهار داشت پیش از این از آمارهای صنعتی حتی به کارشناسانی که در کار برنامه‌ریزی صنعتی کشور کار و تحقیق می‌کردند، قرار نمی‌گرفت. این مقام در توجیه عدم ارائه اطلاعات، علت آن را مقتضیات جنگی دانست. وی افزود اخیراً رئیس جمهور

موافقت کرد این اطلاعات در سطح محدود مزبور می‌تواند منتشر شود.

مدیر بخش آمارهای صنعتی-بازرگانی در سخنرانی خود گفت برخی از وزارتخانه‌ها، اطلاعات و آمارهای خود را حتی در اختیار مرکز آمار ایران قرار نمی‌دهند. وی به طوری مثال به وزارت نفت اشاره کرد و گفت: آمارهای مربوط به وزارت نفت در زمینه تولید و صادرات را کشورهای خارجی بهتر از مرکز آمار ایران در اختیار دارند و ما اخبار موثق را از طریق رادیوهای بیگانه می‌شنویم!

مخالفت با انتشار

کتاب "نهضت امام خمینی"

روزنامه رسالت خبر داده است که جلوی انتشار جلد سوم کتاب "نهضت امام خمینی" نوشته حمید روحانی را گرفته‌اند. این روزنامه، ممانعت از انتشار این کتاب را کار تندروها دانست و از آنان با عنوان "فاشیست‌ها" یاد کرد. به نوشته روزنامه رسالت، علت مخالفت "فاشیست‌ها" با این کتاب وجود مدارکی مستند علیه دکتر علی شریعتی است. وزارت ارشاد در واکنش نسبت به این خبر اعلام داشت این وزارتخانه در جلوگیری از نشر این کتاب نقشی نداشته است. جلد دوم کتاب مزبور در سال ۶۴ منتشر شده بود.

سخنرانی آذری قمی

به آشوب کشیده شد

سخنرانی آذری قمی در گرگان در پی اعتراض مخالفینش به اشتشاش کشیده شد. آذری قمی که در یک مسافرت پیش انتخاباتی مجلس در شهرهای مختلف مازندران سخنرانی داشت، در همه جا به شدت جناح تندرو و مواضع آنها را مورد حمله قرار داد. در گرگان سخنرانی وی با مقابله هواداران این جناح روبرو گردید. روزنامه رسالت در بخش خبر این واقعه مدعی گردید معترضین مجهز به کارد و سلاح گرم بودند.

دستگیری عده کثیری از کارمندان دولت به اتهام فساد

وزارت بازرگانی و ۱۲ دلال فروشنده، کوپن زندانی شدند. دادستان تهران هم چنین افزود ۱۵۰ تن از کارکنان شهرداری تهران به اتهام رشوه‌خواری و صدها میلیون تومان اختلاس بازداشت و زندانی گردیدند.

در تهران ۱۶ تن از روسا و ۷ تن از معاونین بانک صادرات و تجارت و نیز ۸ تن از کارمندان این بانک دستگیر شدند. به گفته دادستان عمومی تهران اتهام این عده فروش کوپن‌های ارزاق عمومی در بازار آزاد است. همراه با این عده دو تن از کارمندان

دادگاه‌های هلنی به سبک جمهوری اسلامی!

می‌کنند. موسوی تبریزی در پاسخ به این پرسش خبرنگاران که علت این مخالفت چیست، گفت: معنای هلنی بودن دادگاه‌ها این نیست که خبرنگاران حاضر باشند... در دادگاه‌های هلنی باز است... اما این که خبرنگار امکان حضور در این دادگاه را داشته باشد، معنایش این نیست!

موسوی تبریزی دادستان جدید کل کشور با حضور خبرنگاران در جلسات دادگاه مخالفت کرد. از آنجا که رژیم اخیراً اعلام داشته است که کلیه دادگاه‌ها هلنی است خبرنگاران مطبوعات خواستار حضور و تهیه گزارش از محاکمات شده‌اند اما مقامات قضائی در بسیاری موارد از این کار جلوگیری

چند خبر کوتاه

به دستگیری هیچ یک از اشرار نشدند. به نوشته مطبوعات از اشرار مسلح تنها یک دستگاه وانت تویاتا در صحنه نبرد باقی ماند.

وزارت نیرو و اعلام داشت آبگیری مجدد سد سپیدرود در سالروز فاجعه زلزله شمال آغاز گردید. پیش از این گزارش‌های مربوط به بروز آسیب به سد سپیدرود در جریان زلزله سال گذشته و توقف آبگیری این سد، توسط مسئولین تایید نشده بود.

دکتر نوربخش وزیر اقتصاد اعلام داشت بزودی سهام ۲۷۰ شرکت دولتی دیگر در بازار بورس تهران به معرض فروش گذاشته خواهد شد.

به نوشته روزنامه رسالت یکی از استادان دانشگاه هلم و صنعت به اتهام توهمین به نماز خانه در شرف تاسیس این دانشگاه اخراج گردید.

در یک درگیری تازه میان نیروهای انتظامی و واحدهای بزرگ قاچاقچیان در منطقه کویری شهرستان بیرجند، دو تن از مامورین انتظامی مجروح شدند. در این درگیری مامورین دولتی قادر

روزنامه رسالت خبر داد که به کمیانی آمریکائی فیلیپ موریس، تولید کننده سیگار مارلبورو، اجازه عرضه سیگار در بازار ایران داده شده است. فیلیپ موریس تحت پوشش شرکت الرشیدین که شعبه آن در دویبی است، دفتر خود را در تهران تاسیس کرده است.

به نوشته روزنامه جهان اسلام چاپ تهران، کاردار سفارت بریتانیا از وزارت امور خارجه ایران خواست نام خیابان بابی ساندز تغییر داده شود. کاردار بریتانیا وجود این نام را مغایر رابطه بهبود یافته طرفین نامید. بابی ساندز یک مبارز ایرلندی بود که ۱۰ سال پیش بدنبال یک اتهام فحاشی دراز مدت در زندان دولت انگلیس درگذشت.

والدهایم در سر قبر آقا!

کورت والدهایم رئیس جمهور اتریش نخستین رئیس جمهور اروپای غربی است که به تهران سفر کرده است. وی در راس یک هیات اتریشی برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی به ایران رفت. جمهوری اسلامی همواره یکی از طرف‌های مطمئن اقتصادی برای اتریش بوده است. اهمیت جمهوری اسلامی برای اتریش بگونه‌ای است که این دولت به آسانی حاضر می‌شود عملیات تروریستی رژیم فقها را نادیده بگیرد. از جمله این عملیات ترور دکتر قاسملو در وین بود که تروریست‌ها با وجود دستگیری، تعقیب و محاکمه نشدند. کورت والدهایم در تهران کاری با این قبیل مسائل پیش پا افتاده! نداشت. او انعقاد قرارداد‌های بزرگ و پرسودی را در دستور کار داشت و برای آن تا توانست زبان به مدح حکومت اسلامی گشود. والدهایم در حیات سیاسی درازمدت خود تنها عنوان شامخ دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد را با خود ندارد. وی زمانی نیز در رایش سوم هیتلر که اتریش را به خود منضم کرده بود، انتر اس. اس بود. مداحی‌های وی در تهران و حضور خاضعانه در سر قبر خمینی، آدم را بیشتر بنیاد آن افسر اس. اس می‌اندازد تا یک مقام مسئول بین‌المللی.



زنها از خوش گمانی!

همزاد کریمی

جدا نمیسازد، جز اینکه زمانه‌ها یکی نبوده و آبشخور نابرابری توان‌ها نیز در همین دوره‌ها یکی نبوده‌اند، همانگونه که در درون هیچ دوره‌ای و در هیچیک از دو سامان بزرگ در جهان و سامان جهانی سر بر آورده از ستیز ایندو نیز، روندها یکسویه نبوده است. در جهان سرمایه در همان دوره شکست، نهان توان‌های تازه رو به شکفتن داشت و جهان داس و چکش که در روز سرفراز مینمود، از درون با شتاب به لبه پرتگاه نزدیک میشد، دهه هشتاد، دهه‌های شد که جهان سرمایه و از جمله آمریکا، از دستاوردهایی که در جریان دهه‌های پیشین در دل خود و از راه دگرگونی دوران ساز در دانش تکنیک انباشته بود به بهره‌گیری برخاست و دهه‌ای شد که پیامدهای کج خشت نخستن و کژ روی‌های بن بست "سوسیالیسم عملا موجود" در سیاهی فروریزی این سامان از راه رسید.

هنگامیکه ریگان در پی هشت سال توپ و تشر و لشکر کشی به گرانا و پاناما و رهنی هوایی در آسمان لیبی و... با سری پر باد دوره ریاست جمهوری را پایان رساند، دستیار او جرج بوش گستره پیروزی‌های باز هم بزرگتری را پیش رو داشت. او که توانست با گشودن چاه دام زیر پای صدام، هلهله بر ویرانه‌های سامانی بنام سوسیالیسم را با کوبیدن پتک بر سر ماجراجویی خودپرست از جهان سوم همراه کند، اکنون در چهره پیروزمندترین رئیس جمهور آمریکا پس از دوره روزولت‌ها و ترومن‌ها رخ مینماید. و هم او، این روزها در جامه یگانه رهبر جهان همچون خردمندی دادگستر به در مان بخشی دمل‌های چرکین دیرپا در جهان برخاسته است! زخم‌هایی که یا خود پدید آورده و یا خود چرکین شان کرده است.

زمانی بود که هرب، دیوانه‌های جهانسوز چون هیتلر را از دل خود بیرون داد و این دیو مرگ، سرانجام جهان از همه و بیش از همه به نیروی سوسیالیسم زیان در هم کوبیده شد. ستم‌دگران میلیاردری جهان این دو رویداد درشت را به داوری نشستند و آموخته از شکست بزرگ یکی و نیرو گرفته از چیرگی سترگ دیگری، به خیز از ادیخواهانه‌شان شتاب دادند. زان پس، زنجیرهای پوسیده ستم یکی از پی دیگری گسسته شد. در دهه‌های پنجاه و شصت سده بیست، امپراتوری‌ای که آفتاب از بام آن هرگز به زیر کوهها فرو نمی‌لغزید و نیز در کنار وی همانندهای او، جلگلی گنج سر شکست‌های پی در پی شدند. در دهه هفتاد، در جهان تنگدستان، شمار دیگر و بیشتری از کشورها خیزش برای آزادی و رهایی را با پرش به "سوسیالیسم" و یا افتادن در راجی به سمت آن همراه کردند و شکست قرب را تا شکست جای چندگانه امپریالیسم آمریکا گسترش دادند. ویتنام، ننگین ترین داغ شکست را بر پیشانی آمریکای زورگو کوبید.

در آن برهه، بر آمریکا، نیکسون فرمان میراند. کسیکه چون بوش از حزب جمهوریخواهان - حزب نفتخواران و دارندگان جنگ افزا - بود و مانند او از سودگران جهانخواره فرمان میبرد. آن زمان، کابوس شکست چنان روان آمریکا را پریشان کرد که نیکسون در مانده زیر آوار پرش‌های فراوان، سرانجام با رخدادی چون واترگیت کنار گذاشته شد. رخدادی که مانده‌های آنرا سیاست سازان آمریکا آسوده خیال در انجام آنها و بی‌واهمه از فرجام آنها، بارها و بارها بکار گرفته‌اند بی‌آنکه تاوان پس بدهند. سفر مک فارلین به تهران و رهایی گروگان هادرست پس از پیروزی ریگان بر کارتر، و نمونه از آنهاست! جانسون و نیکسون، و در پی آنان جerald نورد و جیمی کارتر، همگی رهبران دوره تاکامی نظامی و پس رفت‌های سیاسی بودند. نه هیچ یک از این چهار تن کمتر از رونالد ریگان استراتژی و تاکتیک میدانستند و نه جرج بوش بیشتر از آنها سیاست سرش میشد. برتری ویژه‌ای، این همگان را از یکدیگر

بوش بنام جهان و آمریکا بر فراز جهان، زیاده خواهی اسرائیل را نکوش میکند و در برابر سران آن که در برتری جویی به هیچ مرزی پایبند نیستند زبان به گلایه می‌گشاید! درگیری ارتش و دولت آمریکا در کارهای درونی عراق را ناروا میدانند! به میانجیگری در اتیوپی بر میخیزد تا این کشور بزرگ دریای سرخ چندپاره نشود! میگوید که پس نشستن‌های رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی، هنوز بس نیست و پاسداران آپارتاید باید فروتنی بیشتری از خود نشان دهند! نمیخواهد که پوگسلاوی از هم بگسلد و آلبانی که هر روز بیشتر سر براه می‌شود بی‌پاداش بماند! به ترکیه میگوید که نشست در کنفرانس پنجاهه را گردن نهادن گره از کار قبرس گشوده شود! و از این نمونه‌ها میتوان بیشتر بر شمرده و در روزهای آینده، بار هم بیشتر!

در سده‌های گذشته و دوره‌های پیشین نیز کم نبوده‌اند امپراتورهای خود کلامه که نخست به نیروی زور شمشیر، جهان را فراچنگ خود کشیده‌اند و آنگاه در سامان استوار بر سر نیزه، پرچم "داد" برافراشته‌اند! آنان، این هشیاری را داشتند که نگهداشتن فرمانروایی بسی سخت‌تر از بدست آوردن آنست! از دید ایندست از فرمانروایان "داد" پیروزی نیاز است تا که بنیان ستم‌گزینان پندار زندگی ستمگران برتر، بیشتر بیاید! در پندار همگان، بیداد دیروز همه‌پایی کردار دگران نوشته شود و "داد" امروز همه از آن امپراتور زمان به

بقیه در صفحه ۷

طیف حکومت اسلامی نیز گامهایی برداشته است. هدف اصلی او در این هرصه ائتلاف با راست ترین بخش سرمایه داران "طاغوتی" است و نمایندگان خود را به سراغ آنها فرستاده است. مانورهای رفسنجانی در هرصه‌های اجتماعی و فرهنگی برای جلب افشار شهری، تحصیل کرده و روشنفکر به خاطر تامین کادر مذهبی و فنی برنامه‌سازی است. رفسنجانی در این مانورها بر جلب حمایت بخشی از اپوزیسیون دموکرات و به ویژه پایگاه اجتماعی آن حساب می‌کند.

بقیه در صفحه ۹

یکی از عوامل مهمی است که جنبه‌های ضد مردمی برنامه اقتصادی او را تشدید می‌کند. رئیس حکومت اسلامی بخش عظیمی از منابع و بودجه کشور را صرف برنامه‌های نظامی و امنیتی و خریدهای تسلیحاتی می‌سازد و با در پیش گرفتن یک سیاست افراطی در این زمینه، نه تنها منابع موجود را به هدر میدهد و فشارهایی اضافه بر دوش مردم وارد می‌آورد، بلکه بیش از حد مورد لزوم به وامها و شرایط غیر عادلانه خارجی نیازمند می‌شود.

سیاستهای هاشمی رفسنجانی رئیس حکومت اسلامی و برنامه "بازسازی" او نه تنها در حکومت و جناحهای مختلف آن، بلکه در نیروهای مخالف جمهوری اسلامی نیز بحثها و واکنشها و ارزیابی‌های متفاوتی ایجاد کرده است. لزوم تدوین یک سیاست روشن در مقابل برنامه بازسازی رفسنجانی، بهمان نسبت که جوانب این برنامه روشنتر و جدال در طیف‌های مختلف رژیم بر سر آن شدیدتر می‌شود، اهمیت بیشتری می‌یابد و اشتباه در برابر آن می‌تواند منجر به شکستی غیر قابل جبران

لیبرالیسم یا استبداد فردی

مسیر تحولات رژیم به کدام سوست؟

ف-تابان

۲- رفرمهای کم دامنه و محدود رفسنجانی در هرصه‌های اجتماعی و فرهنگی تاکنون مطلقاً به هرصه سیاست سرایت نکرده و در این زمینه او مسیری وارونه را می‌پیماید. رفسنجانی در حالیکه در هرصه‌های نظیر زندگی خصوصی مردم، طرز آداب و رفتار آنان و تا حدودی ادبیات و فرهنگ مدافع گشایش‌های محدود (از جمله به دلیل نیاز خود در مبارزه با جناح مخالف) است، اما در اساسی‌ترین مشخصه‌های دموکراسی یعنی حق مردم در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت در اداره امور جامعه روئند هکس را می‌پیماید.

کوچکترین نشانه‌های دال بر تخفیف فشارهای نیروهای سیاسی بیرون حکومت دیده‌نی‌شود و رفسنجانی آزادی فعالیت آنان را مشروط به پذیرش ولایت فقیه کرده است. مقابله با تشکل‌های مستقل کاری و سایر تشکلهای مستقل کماکان یکی از اجزای ثابت سیاست سرگوبگرانه اوست. رفسنجانی با پیگیری تمام از حکومت دین بر جامعه دفاع می‌کند. اعمال دیکتاتوری بر نیروهای سیاسی و در کل جامعه در شرایطی صورت می‌گیرد که رفسنجانی می‌کوشد دامنه مخالفت با دولت راحتی در درون رژیم محدود سازد و بدین منظور به اقدامات سرگوبگرانه نیز متوسل شده است. کشاندن نهانپوگان مخالف به اوین، تهدید آشکار روزنامه‌های وابسته به رژیم اما مخالف دولت به توقیف و تعطیل، هجوم به نهادها و تشکلهای وابسته به جناح تندرو و مخالف دولت از جمله این اقدامات است. رفسنجانی نه تنها در جهت ایجاد زمینه‌های یک انتخابات آزاد حرمت نمی‌کند بلکه انتخابات ضددمکراتیک فطری را نیز با حذف قیر دموکراتیک مخالفین درونی خود پیش از پیش به یک اقدامات کاملاً فرمایشی بدل می‌سازد و حق انتخاب را حتی از بخش‌هایی از رژیم نیز سلب می‌کند. وی در اعمال حکومت بیش از پیش به روش‌های مستبدانه متوسل میشود، و ظهور حکومت کردن به شیوه دموکراتیک را نیز ناپدید می‌گیرد. او مجلس را به هیچ می‌گیرد، تصمیمات فردی و خودسرانه اتخاذ می‌کند و ایدان‌های وابسته به خود را بر فراز نهادهای رسمی و قانونی قرار می‌دهد.

مسیری که رفسنجانی تاکنون پیموده نه به سوی لیبرالیسم، بلکه به سمت برقراری یک استبداد فردی و محدود کردن هر چه بیشتر دامنه مخالفت‌های سیاسی با دولت بوده است. گشایش‌های نسبی پیش گفته در هرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نه تعیین کننده سمت حرکت رفسنجانی و نه مانع اساسی بر سر راه اوست. در شدیدترین استبدادهای فرعی نیز هیچ‌گاه چنین حقوقی سلب نشده بوده که زمانی بخواهد به عنوان نشانه‌های دموکراسی باز پس داده شود.

تلاش رفسنجانی برای تحکیم و تثبیت استبداد فردی خود، علاوه بر جنگ قدرت شدید بین او و رقبایش، پشتوانه برنامه بازسازی اقتصادی است. برنامه بازسازی اقتصادی مورد نظر رئیس جمهور برای جلب منابع مالی و امکانات اقتصادی از یک سو و سازماندهی اراده واحد اجرایی نیاز مبرم به پایان دادن "هرج و مرج" سیاسی و تامین پشتیبانی نهادهای حکومتی دارد. طرفداران رفسنجانی بارها بر زبان آورده‌اند که اگر مجلس چهارم نیز مخالف دولت بماند، همه برنامه‌های بازسازی با مانع بر خواهد خورد. برای اجرای این برنامه همه باید گوش به فرمان یک نفر باشند.

۳- حول برنامه بازسازی رفسنجانی صف بندی شدیدی در حکومت به وجود آمده و در جامعه نیز در حال شکل گیری است. بخش‌هایی از بورژوازی صنعتی، تکنوکرات‌ها و بخش قابل ملاحظه‌ای از کادریهای اجرایی و دولتی مدافعین اصلی رفسنجانی و نیروی او

برای اپوزیسیون دموکرات گردید. مقاله حاضر کوششی است مقدماتی برای آرایه یک ارزیابی از جوانبی از این برنامه و نکاتی که در سیاست ما باید مورد توجه قرار گیرد. به اعتقاد من، نکته آتی سازمان باید با حساسیت، دقت و تعمق کافی این موضوع را بررسی و در مورد آن تصمیم گیری کند.

۱- در زمینه اقتصادی رفسنجانی خواهان ایجاد رفرمهایی به تصدرا انداختن تولید، قلیه بر تورم و گرانی افسارگسیخته، "تعادل اقتصادی" و سر و سامان دادن به بحران همه جانبه‌ای است که اقتصاد کشور را فرا گرفته است. رفسنجانی به مثابه میراثدار اصلی رژیم بخوبی درک می‌کند که ادامه این بحران تا چه حدی می‌تواند موجودیت و بقای رژیم را مورد تهدید قرار دهد. وی برای اجرای رفرمهای اقتصادی از سیاستها و شعارهای سنتی گذشته در جهت اتکا به منابع داخلی و درک عقب مانده از خودکفایی فاصله گرفته و بدون اینکه این فاصله گیری به معنای قرار گرفتن در یک موضع سالم رشد اقتصادی باشد، با شتاب هر روز بیشتری در جهت استفاده از منابع و امکانات خارجی است و سرمایه، تخصص و تکنولوژی غرب را برای بازسازی اقتصادی حیاتی می‌داند.

از همین رو بازسازی مناسبات جمهوری اسلامی با قرب و به ویژه آمریکا یکی از اهداف استراتژیک رفسنجانی است. شدیدترین و سازش ناپذیرترین مبارزه او با جناح حزب الله - که به استقلال و خودکفایی در مفهومی عقب مانده و انزواجویانه - معتقد است، در همین میدان در جریان است. رفسنجانی برای بازسازی مناسبات با قرب، سیاست تروریسم دولتی و صدور انقلاب را کنار گذاشته و در صدد دگرگون کردن چهره به شدت خشن و سرگوبگرانه جمهوری است. در راستای همین سیاست او مدافع تعدیل تندروی‌های گذشته در هرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و کاهش فشارهای کاملاً غیر معقولانه بر مردم است. باز کردن نسبی فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه نه تنها به خاطر تسهیل بازسازی رابطه با قرب، بلکه به منظور جلب لایه‌های روشنفکر و متخصص جامعه و تامین کارهای اقتصادی و فنی بازسازی صورت می‌گیرد.

بر اساس اقدامات تاکنونی و سیاستهای اعلام شده، برنامه اقتصادی رفسنجانی فاقد مشخصه‌های یک رفرم دموکراتیک و حتی لیبرالی است، با سیستم‌های کنترل کننده، اقدامات در جهت تجدید اختلافات فاحش طبقاتی، کاهش فشار بر دوش افشار کم درآمد، گسترش (و حتی حفظ) سیستم تامین اجتماعی توده مردم، گسترش دموکراسی در تولید و مشارکت تولید کنندگان در روندهای اقتصادی جامعه همراه نیست و همه فشارها و سختی‌های دوران بازسازی را به دوش توده مردم و زحمتکشان جامعه منتقل می‌سازد. شورای نگهبان با موافقت دولت رفسنجانی اکثر اقدامات جناح خطاهامی (در غالب مصوبات مجلس) را که در جهت کاهش جزئی فشارهای اقتصادی بر مردم است بی اثر می‌سازد. قضاوت در مورد چگونگی مناسبات اقتصادی دولت رفسنجانی با قرب باید تابع همان اصولی باشد که در مورد کل سیاست خارجی بکار گرفته می‌شود. واقعیت این است که بدون استفاده گسترده از امکانات غرب نمی‌توان به بازسازی و نوسازی اقتصادی ایران اقدام کرد، (و در این هرصه رفسنجانی محق است) اما این استفاده گسترده تنها در صورت رعایت اکید ملاحظاتی که رفرم اقتصادی را دارای خصصت دموکراتیک می‌سازد، میتواند مورد دفاع قرار گیرد و رفرم اقتصادی رفسنجانی فاقد چنین مشخصه‌ای است. برنامه‌های نظامی و تسلیحاتی دولت رفسنجانی

نقدی بر کتاب "ضخاک مار دوش"

تفسیر اسطوره‌ها یا اسطوره‌پردازی؟

بقیه از صفحه ۵

بدست ضحاک، فردوسی می‌گوید: ضحاک، بر این دو زیبا روی پاکیزه خود دست یافت. به زور و فریب از رد پاکدامنی بیرون شان کشاند و از آن خود کرد. "ببروردشان از ره جادویی / بیاموخت شان کژی و بد خوئی..."

و نویسنده کتاب نتیجه می‌گیرد که این روایت جنبه سمبلیک دارد. چه "اگر منظور، زیبا رویان حرم است، چرا باید به معاشران بزم و عشرت، کژی و بد خوئی بیاموزند... نکند منظور از این دو پاکیزه روی حرمسرا، دو منبع قدرتی است که طبعاً در اختیار فرمانروا قرار می‌گیرد؛ سپاه و خزانه. نکند شاه تازه با تسلط بر خزاین جمشیدی و سپاه گوش به فرمانش به جان خلائق افتاده است و ثروت ملی را صرف تباهکاری می‌کند و نیروی نظامی را به جای مرزبانی به جان ملت می‌اندازد؟!"

بر نویسنده کتاب ضحاک، پوشیده نیست که ارنواز و شهرناز خواهران جمشیدند نه زنان حرمسرای او. و به تصریح فردوسی، پاکیزه خوینده کژ خویانی بی‌نیاز از باز کژآموزی. اما نویسنده، تغافل می‌کند تا مبادا گمانش مخدوش شود.

افزون بر این باید پرسید که اگر به روزگار جمشید، خزانه‌اش، ثروت ملی بود و سپاهش خدمتکار خلائق، دیگر نارضائی مردم از جمشید، چه محلی از اهراب داشت؟

آبشهو این تفاسیر "روشنگرانه"، نماد سازی‌های خود سرانه است. سنبل تراشی از اجزای بیکره این اسطوره، گاه چنان تصنعی و تحریف آمیز است که جز در همناهی قهرمانان، قرابتی میان اسطوره و "گزارش" نمی‌توان یافت. تفسیر طیف عناصر یاری دهنده فریدون که بر پایه یک نماد سازی کلیشه‌ای و "الامدرن" صورت گرفته، نمونه‌ای از اینگونه تفاسیر است.

بنابه روایت شاهنامه، فرانک (مادر فریدون)، در گریز از گزند ضحاک، فرزندش را از دسترس کارگزاران او دور می‌کند، نخست او را به دهقانی مرز نشین می‌سیار، کودک سه سال با شیر گاوی بنام "گاو برمایه" تغذیه می‌شود، ماموران جایگاه آنها را می‌یابند، اما فرانک، کودک را از دهقان می‌گیرد و نزد پیری کوه نشین می‌برد، گاو برمایه را ماموران ضحاک می‌کشند. فریدون در کوهساران دور دست، فارغ از گزند ضحاک بزرگ می‌شود...

و اما تفسیر نویسنده: او عوامل یاری دهنده فریدون را تحت عنوان "مقدمه سازان نجات ایران" چنین معرفی می‌کند: "گاو برمایه‌ای که شیر گوارایش را به عنوان جوهر فرهنگ و تمدن ایرانی، در کام فریدون ریخته است، مرزبان مهربانی که نماینده دهقانان آزاده، و نژاده ایرانی است، پیر صافی ضمیر کوه نشین که مظهر هشایر طبیعت پسند کشور است، و گاو آهنگر که صبح جسور و بازوی پرتوانش نشانه‌ای از طبقه کارگر است و آهنگران هنرمندی که با ساختن گرز گاو سار، نیروی کوبنده تخصص خود را در اختیار فریدون می‌نهند و موبدان خداجوی حق پرستی که دم همت بدرقه راه او می‌کنند تا به فیض عنایت یزدانی بر جادوی شیطانی ضحاک غلبه کند و سرانجام بالاتر و والاتر از همه فرانک، مظهر نیروی فراوان تأثیر زنان مملکت."

بدین ترتیب طیف کاملی از اشرار و طبقات اجتماعی در برابر ضحاک صف آرایی می‌کنند: طبقه کارگر، دهقانان، متخصصین، هشایر، زنان و روحانیون. یکچنین آرایش قوایی - آن هم با این وضوح و شفافیت نه با منطق تاریخ خوانائی دارد و نه با روایت تقسیم طبقات توسط جمشید. معلوم نیست چرا هر آنکه به نوعی به فریدون یاری می‌رساند لزوماً و به هر ترتیب، سنبل قشر و طبقه‌ای می‌شود؟ یا چرا گاو آهنگر نماینده طبقه کارگر (!!) است و بقیه آهنگران (که گرز فریدون را ساخته‌اند) نماینده نیروی متخصص؟ و بالاخره چرا نویسنده، این طبقه گسترده نیروهای انسانی را یکسر به کناری نهاده و گاو را حامل و انتقال دهنده جوهر فرهنگ و تمدن ایرانی معرفی کرده است؟ در فرهنگ جوامع مبتنی بر کشاورزی و دامداری و از جمله در ایران، گاو یکی از مظاهر برکت بوده است اما اینکه مظهر انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی هم باشد، "بدیع" و ناشنیده‌ای است.

گزارش نویسنده کتاب از داستان ضحاک، نه تفسیر روشنگرانه این اسطوره بلکه اسطوره پردازی با

ابزار و مصالح امروز است.

*

شاهنامه فردوسی به مثابه یک گنجینه بزرگ هنری و فرهنگی، همواره جوهره در دهه‌های اخیر - مورد توجه محققین و ادب شناسان بوده و از این رهگذر، کار پژوهشی شایان توجهی پیرامون این اثر و آفریننده آن صورت گرفته است. این تحقیقات، به لحاظ ادبی، تاریخی و فنی، منشأ و شناسایی‌های بسیار بوده‌اند. اما ناگفته نباید گذاشت که بسیاری از محققان، به هنگام بحث پیرامون محتوای سیاسی شاهنامه و تفسیر دیدگاه فردوسی، مدت تحقیق را مورد بی‌التفات قرار داده، و استنتاج‌های سیاسی یکجانبه و مصلحت طلبانه‌ای کرده‌اند. در تالیفات برخی از اساتید و محققان برجسته از جمله جلال‌الدین همایی، پرویز ناتل خانلری و ذبیح‌الله صفا، تحت تأثیر فضای سیاسی دوره پهلوی، لغزش‌های اشماعی ناپذیری راه یافته است. این محققان هر یک از جنبه‌های و به نحوی، شاهنامه را حاوی شعائر شاه پرستانه دانسته و برخی حتی آن را حاوی عقاید نژاد پرستانه و شوونیستی معرفی کرده‌اند. یکی شاهنامه را با زتاب "عظمت نژاد ایرانی... به مثابه عالی‌ترین نژاد بشری" شمرده، دیگری به مصلحت سیاسی روز، شاهنامه را با استخراج جنگی از ابیات "منتخب" و مقتضی، به نام "تاج‌نامه"، مورد بی‌حرمتی قرار داده و استادی دیگر، ایران دوستی در شاهنامه را با شاه پرستی همجین کرده و اطاعت از فرمان شاه را یکی از شاخص‌های صفات حسنه ملی شمرده است.

بازتاب خود بخودی این تفاسیر ناموجه سیاسی نیز به نوبه خود، تعبیر سیاسی مخدوش دیگری بوده است که نمونه‌اش را در اثر تحقیقی "حماسه داد" نوشته زنده یاد فرج‌الله میزانی (جوانشیر) می‌توان دید. "حماسه داد" حاوی نگرش نوینی به جهان بینی فردوسی و شناساننده ابعاد تازه‌ای از دنیای شاهنامه است. این کتاب با تأکید بر عنصر "داد" در نگرش همیقانسانی فردوسی و تبیین مستند و مستدل آن بر پایه شاهنامه، جای خود را به مثابه یک اثر تحقیقی جدی و ماندنی باز کرده است. اما آنجا که معرفی شاهنامه به مثابه "حماسه داد" (و منحصرأ حماسه داد) جا را برای حماسه ملی بودن تنگ می‌کند، خطای سیاسی به بافت این اثر تحقیقی نیز راه می‌یابد. جوانشیر در مواجهه با خطای پیش گفته و رد انتساب نژاد پرستی و برتری طلبی "ملی" به فردوسی، خود نیز به خطا می‌گراید و خلصت ملی این اثر حماسی را اساساً منکر می‌شود: "آنانی که شاهنامه فردوسی را "حماسه ملی" ایران می‌دانند خود در قالب تنگ ناسیونالیسم بورژوازی اسپرند... و این فکر را در شنونده تلقین می‌کنند که گویا فردوسی، ملی‌گرای متعصبی بوده، هوادار برتری ایرانی بر غیر ایرانی و احراز این برتری از طریق جنگ و زور..."

و امروز شاید تبارز نوع دیگری از سبقت‌گیری پیش‌دآوری‌های سیاسی و مرامی بر روند تحقیق هستیم. تمکین برخی از محققین به فضا سازی‌های سیاسی و مذهبی حول نگرش فردوسی نیز، بادیست در بادبان همین زورق. در شرایط امروز جمهوری اسلامی، که نوشتن درباره جهان بینی فردوسی نیز می‌تواند حساسیت‌هایی را در رژیم برانگیزد و به تبع آن، تعصب عقیدتی و سیاسی، راه‌پژوهش را کج‌کند و به بیراهه کشاند. برخی از محققین، در تمکین به این فضا، در صدد "مشروعیت" بخشیدن به شاهنامه و گنجاندن نگرش فردوسی در محدوده‌های مجاز، برآمده‌اند. تفاسیر کتاب "ضحاک مار دوش" درباره معتقدات دینی فردوسی و محتوای سیاسی شاهنامه، نیز از آن جمله است. اما ناگفته پیداست که یک چنین ردائی بر قامت فردوسی سخت نازیبنده و حقیر است. امروز باز نگرش و بازشناسی شاهنامه، در تمامی وجوه، از جمله محتوای سیاسی آن، و نیز بازشناسیدن این اثر بویژه به نسل جوان - وظیفه سترگ محققین و دست‌داران فرهنگ و ادب ایران است. کاری بدان عظمت که فرزانه توس کرد، پژوهشی را سزااست دامن گستر، دور نگرانه و دور از تعصب.

باید که بزرگداشت هزاره سرایش شاهنامه، زمینه ساز تأملی سزاوارتر در باز یافت این گنجینه فرهنگی باشد.

دیپلماسی صلح در خاور نزدیک

مصاحبه با یکی از مسئولین جنبش صلح اسرائیل



پرسش: اگر صحبت‌های شما را پایه قرار دهیم اشغال و سرکوب در مناطق فلسطینی تا زمانی طولانی‌پایر جا خواهد بود. آیا این به مخوم شکست جنبش صلح اسرائیل نیست؟ به هنگام سفرهای بیگر هیچگونه راهپیمایی بزرگی، به مانند تظاهرات عظیم سال ۱۹۷۵ در مذاکرات با دولت مصر، برگزار نشد. آیا میتوانیم همینجا بمانیم، به وضعیت موجود رضایت بدیم و بگوئیم اوضاع همین است که هست؟

پاسخ: این سوال بفرنجیست. درست است که جنبش صلح جنگام مذاکرات با بیگر تظاهرات نکرد. به نظر من هلت این بود که به نظر میرسد همه چیز روند طبیعی خود را طی میکند مذاکرات به آرامی جریان می‌یابد. در سال ۱۹۷۵ بحث بر سر آن بود که یا سیناراپس میدیم و یا امکان صلح را از دست خواهیم داد. در چنین شرایطی بود که مردم به خیابان آمدند. اما هنگامی که شامیر میگوید برای توافق آماده است و مسئله فقط اینست که ناظر سازمان ملل در کنفرانس صلح شرکت کند یا نه، کشاندن مردم به خیابان مشکل است. ما این موضوع را به بحث گذاشتیم و نتیجه گرفتیم که افراد کمی در تظاهرات شرکت خواهند کرد. در این صورت ضرر چنین تظاهراتی از سود آن بیشتر می‌بود.

اما اسرائیل در موقعیت ضعیفی بسر می‌برد زیرا برای پذیرفتن مهاجرین یهودی شوروی به پول زیادی نیاز دارد. بنابر این شرایط برای یک تحول مهیاست. اما چنین به نظر میرسد که هیچ تغییری روی نخواهد داد. شاید هلت آن باشد که آمریکا بیجا متوجه شده‌اند که هیچ کدام از حکومت‌های منطقه هلاقه واقعی به صلح ندارند و من آگاهانه از حکومت‌ها صحبت میکنم و نه از خلق‌ها، که از یک توافق بهره بسیار خواهند برد.

حکومت اسرائیل میخواهد کماتان بر مناطق اشغالی و وضعیت موجود پا فشارد. اما کشورهای عربی نظیر سوریه و مصر نیز هلاقه‌ای ندارند یک دولت رادیکال فلسطینی دیدید آید. تنها خود فلسطینی‌ها منافع واقعی در حل مسئله دارند زیرا تحت شرایط موجود بشدت هذاب میکشند. اما آنها بخاطر آنکه در هنگام جنگ خود را در جبهه نادرست قرار دادند برایشان دشوار است منافع خود را پیش برند.

در چنین وضعیتی هیچ نشاری از سوی آمریکا اعمال نخواهد شد. به هلاوه آمریکا بیجا آتندر جا نیز در اینکه اینجا صلح حکومت کند ذی نفع نیستند. برای آنها کانیست که هژمونی خود را در منطقه حفظ کنند. آمریکا هلاقه خاصی به صلح ندارد. بالاخره یک نفر باید تسلیحات آنها را بخرد که صنایع نظامی آنها نابود نشود.

روزنامه آلمانی جمعه در مصاحبه‌ای با پروفیسور آویشای مارگالیت، یکی از مسئولین و سخنویان جنبش صلح اسرائیل، اوضاع منطقه خاور نزدیک و روند صلح در این منطقه را مورد بررسی قرار داده است. در زیر مصاحبه مزبور را می‌خوانید.

پرسش: شما مدتی قبل از آغاز جنگ نگرانی خود را از "انتقال فلسطینیان" ابراز کردید. به نظر میرسد اکنون پس از چهار ماه از گذشت این واقعه هیچ تغییری رخ نداده است.

پاسخ: جنگ کمتر از آنچه تصور می‌شد اسرائیل را تغییر داد. قبل از جنگ و به هنگام جنگ نگرانی‌های بزرگی وجود داشت. اما از جنبه معنی میتوان گفت که همه چیز بدتر از آن شد که تصور میرفت. با توجه به ضایعات ناچیز جنگ برای اسرائیل، بهانه‌ای برای بیرون راندن فلسطینی‌ها وجود ندارد.

پرسش: شما آن زمان این امر را نیز ابراز کرده بودید که آمریکا بیجا در صورت پیروزی بر عراق و از بین رفتن خطر صدام، بر اسرائیل فشار آوردند. بیگر اکنون چهارمین سفر خود به منطقه را پایان داد و به نظر میرسد هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده باشد.

پاسخ: من هنوز هم فکر میکنم آمریکا بیجا اگر بخواهند میتوانند فشار بیاورند. خطر صدام، حداقل برای دوره‌ای، از بین رفته است.

زنها را از خوش گمانی!

بقیه از صفحه ۴

به آن رنگ بیازد، کشور‌های جهان دوستی با یکدیگر را از قربال دوستی با "پدر خوانده" گذر دهند و جهان سومی‌ها خود بودگی را فراموش کنند و به فرمانبری خوب گردند.

چنین سامان آراسته به "داد پروری" بنیاد بر بیداد دارد. بوش و همدستان او، جهان را نه به سامان انسانی که جهان انسانی را به سامان زور و زر می‌خواهند. هیچ خردمند جشیاری، فریب سخنان دلفریب و برخی کردارهای هر چند بجای خود نیکو و خرسند کننده آنها را نمی‌خورد، دچار خوش گمانی نمیشود، و خستگی ناپذیر می‌گوید که جهان را سامانی تازه باید نه آنچه که امپریالیسم آمریکا می‌خواهد. به باور خردمند، نه این سامان آنچه‌ان که مینماید و نه ساز مانده آن آنگونه که مینماید، توانمند پایدار نیستند. هم آمریکا از درون گرفتار تر از آنست که بتواند این بار زیادی را بر دوش کشد و نه هیچ نیروی دیگری در جهان امروز توان اثر ادرار دکه ولو بنام داد جهانی در جهان بیکه تازی کند.

خردمند دورنگر، واقعیت امروز را پایدار برای فردا نمیداند و از اینرو باور مندانه به فردایی از آن همگان و ساخته بدست همگان، یک آن نیز از پیکار با سامان آمریکایی باز نمی‌ایستد. او نمی‌خواهد که پرچم نبرد با این جهان‌خواه زورگو به دست واپسگرایان، خودپرستان و ماجراجویان بیفتد. او باور دارد که این پرچم زبینه نیروی دموکراسی رو به آینده است که سامان جهانی را بر پایه آزادی و دموکراسی، پیشرفت و آرامش همگانی و داد جهانگستر می‌خواهد.

شمار آید؛ سامان جهانی آنان پایگاه گسترده‌تری می‌یابد؛ و روال دلخواه جهان سالار چشمان کوتاه نگرانی‌های بیشتری را خیره سازد و زبان‌های فزونی را به سپاس و ستایش "زاد مردی" های آنان بگشاید! آنان از "داد" پروری در پی شمشیر، نان خورده‌اند تا از پافشاری بر کارگر دیپوسه شمشیر!

نیرومندی و فرمانروایی امپریالیسم آمریکا بر جهان و زمانه ما اگر چه واقعیت روز است، ولی بصیغ رو بیانگر حقیقت و حقایق نیست. امروز نیز، کاخ سفید جز در اندیشه سودوزبان فرمانروایان سرمایه نیست و آمریکا همچنان گرفتار در تار و پود شبکه‌های کلان پولداران و چپاولگر، و جهان نیز بیش از هر زمان با جهان‌خواری و قلدری آمریکا روبروست. باز اینروست که امپریالیسم آمریکا، یک سامان را بر می‌تابد و نه بیش، سامانی که، در آن سخن پایانی از آن او باشد. سامانی که، در آن آسودگی اندیشه برای سوداندوزان و گردش‌بی در دو پر شتاب سرمایه‌آنان پاس داشته شود و در این میان بویژه دلار و بازار کالای آمریکایی بهر گونه ولو به شیوه‌های غیر اقتصادی هم که باشد، از تحت برین به‌زیرین کشیده نشود. سامانی که، کانون‌های چرکین دیر پایه در جهان بگونه‌ای آرامش پذیرد که هر تنش و کنش آینده در آنها، به زیان سامان جهانی پنداشته شود تا کارگردانی آمریکا برای جلوگیری از این بر خوردها و گسترش آنها پایدار یابد و همگان را پذیرا آند. سامانی که، در آن دستاوردهای جهانی چون سازمان ملل متحد بی ارزش جلوه کند و باور میلیاردها آدمی

طرح کار پایه تشکیلاتی در شرایط مهاجرت

جمشید طاهری پور

تا زمانی که ما، غیرمآنگه خصلت، شرایط و ملاحظاتی رهبری داخل را از دست ندادیم بر آن تهاول می‌وزیم و غیر اخلاقی تر و خود خواهانه تر از آن، موقعیت و مناسبات خود را بر پایه تهاول به رهبری عام و تمام سازمان تریسیم می‌کنیم، آنچه که رخ خواهد نمود خلاصه شدن بیش از پیش سازمان در محیط راکد مهاجرت و تسلیم پلان فاعلیک اغنا، و هواداران سازمان به بی اعتباری متقابل و انواع پدیده های منفی است که اکنون زندگی معنوی ما را بدرجات گوناگون آلوده است.

هم نشوری و هم تجسره می‌آموزد که تیب یک تشکیلات می‌باید اولاً - با تیب جامعه و ثانیاً - با وظایفی که پیش رو دارد سازگار باشد. هیچ کاری نابخردانه تر از این نیست که ما برای دو تیب جوامع و وظایف، برای دو تیب داخل کشور و خارج کشور، ساختار، مناسبات و عملکرد های واحدی را طراحی کنیم. من در اصلاح طرح صوب شورای مرکزی در حد بضاعت کوشش کردم که از چنین اشتباهی احتراز جهیم. و سخن آخر اینکه طبیعی است خوابستان باشم که طرح اصلاحی در کسار انتشار بیاید، در دستور بحث و بررسی رفقایم قرار گیرد و به کنگسره ارائه گردد.

- ۱- تبصره ۱- در صورتی که تعداد اغنا یک شهر کم باشد سازمان واحد شهر مرکب از اغنا سازمان در چند شهر مجاور تشکیل می‌گردد. حداقل تعداد اغنا سازمان واحد شهر ۳ نفر است.
- ۲- واحد شهر تنها دارای اجلاس عمومی است. واحد شهر در اجلاس عمومی خود کمیته شهر را جهت هدایت و پیشبرد امور جاری انتخاب میکند و بر اجرا ی صحیح مصوبات و تناسبات آن حق نظارت دارد.
- ۳- کمیته شهر گزارش عملکرد خود را بطور ادواری به اجلاس عمومی شهر ارائه میدهد. گزارش کمیته در اجلاس عمومی شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و گزارش صوب به مسئولین سازمان منطقه‌ای ارائه میشود.
- تبصره: هر عضو سازمان واحد شهر که پس از گزارش صوب موافق نباشد میتواند راساً و یا با تفاق همفکران خود گزارش جداگانه‌ای تنظیم و به مسئولین سازمان منطقه‌ای ارائه نماید.
- ۴- اجلاس عمومی شهر بالاترین ارگان سازمان واحد شهر میباشد که در چارچوب مصوبات کنگسره و شورای مرکزی دارای اختیارات تام بوده، سازماندهی نیرو، وظایف سیاسی، تشکیلاتی، مالی اتحادها و... را در محدوده فعالیت خود برنامهریزی و تصمیم گیری مینماید.
- ۵- اجلاس عمومی شهر، حداکثر هر ۲ ماه یکبار تشکیل میگردد و کمیته شهر مسئول فراخوان و برگزاری آن میباشد.
- تبصره: شرکت در اجلاس عمومی شهر اختیاری است.
- ۶- در صورتی که تشکیل اجلاس عمومی با تاخیر ناموجه روبرو گردد با تفاق و فراخوان اغنا سازمان واحد شهر اجلاس عمومی تشکیل و با حضور نصف به اضافه یک اغنا واحد از رسمیت برخوردار خواهد بود.
- کمیته کشوری:
- ۱- سازمان منطقه‌ای در تشکیلات خارج کشور، واحد کشوری است که در برگیرنده همه اغنا مقیم یک کشور میباشد. کمیته کشوری توسط کنگرانس کشور انتخاب میشود و در فاصله ۲ کنگرانس بالاترین ارگان تشکیلاتی در سطح یک کشور میباشد.
- ۲- کنگرانس کشوری عالی ترین ارگان برون مرزی سازمان در واحد یک کشور است که هر ۱ ماه یکبار سال یا شرکت نمایندگان انتخابی واحد شهرهای مربوطه تشکیل میگردد. این کنگرانسها در چارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی دارای اختیارات تام بوده و فعالیت سازمان های واحد شهرهای پوشش خود را هماهنگ می‌سازند و درباره اشکال فعالیت و وظایف سیاسی، تشکیلاتی، مالی محدوده فعالیت خود برنامهریزی و تصمیم گیری مینمایند.
- بررسی و تصویب گزارش کمیته و انتخاب کمیته از اجماع وظایف این کنگرانسها میباشد.
- ۳- کمیته کشوری گزارش عملکرد خود را بطور نوشتی به واحد های تحت مسئولیت و نیز کسب گزارش عملکرد مجموعه نیروها و واحد های سازمان در سطح کشور را به کنگرانس کشوری ارائه میدهد.
- گروههای کار:
- ۴- هر سازمان حزبی حق دارد در جنب هیات مسئولین خود گروه های کار تشکیل دهد.
- ۵- گروههای کار در همه سطوح برنامهریزی و وظایف خود را تدوین و پس از تصویب ارگان رهبری سازمان مربوطه اجرا میکنند.
- ۶- گروه های کار، در اجرای برنامه کار خود مستقلانه عمل میکنند.

بود که نیرو، عزیز و روحیات برخاسته از مهاجرت، در تنظیم حیات سازمان نقش و وزن تعیین کننده و قاطع پیدا کردند. در حقیقت رهبری ما که خود بر زمین مهاجرت پائین شده بود سرانجام منافع خود را در آن یافت که اساساً نیرو، علایق و روحیات مهاجر نشینی را نمایندگی کند.

حدوداً بعد از پانزده سال ۶۷، در بهترین صویات و تصمیم گیریهای اجلاسها و ارگان های که بنام سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" برپاداشته ایم آنچه که محو و بی اثر است نقش و نشان فعالین و واحد های سازمان در داخل کشور است. این قابل تأمید نیست و باید اضافه کنیم انکار و یا پرده پوشی و بزرگ آن نیز جز تعظیم به انحطاط و دلپستی به آن نام دیگری ندارد.

ما باید به یکدیگر کمک کنیم تا حیات سازمان خودمان را در مدار حقیقی آن، در مدار ایفای نقش مسئول و فعال در مبارزات مردم و سرنشست میهن ما قرار دهیم. به اعتقاد من، شرط مقدم حرکت در چنین راستای میمون و مبارکی قبول واقعیت و بر آن پایه تنظیم واقعی مناسبات اغنا و ارگان است. تریسیم خط مز روشن و بدون ابهام میان فعالین و واحد های برون مرزی و دیون مرزی است، رعایت حق خودگردانی برای فعالین و واحد های سازمان در داخل کشور، در گذار و کردار است.

طرح حاضر بر پایه بررسی نفاذانه "طرح کار پایه تشکیلاتی"، صوب شورای مرکزی سازمان (بهمن ۱۳۶۹) تدوین شده است و هدف از آن ارائه یک شکل بندی هدفدار سازگاری با مناسبات کنونی است. شکلی بندی که نه با نشان دادن دلخواه بجای واقعیت، بلکه از طریق صراحت بخشیدن به واقعیت در جستجوی دلخواه است.

تأکید بر اهمیت و منزلت حفظ پیوند و تحکیم ارتباط سازمان با مردم و فعالین ما در داخل کشور بوده است. به تکرار هشدار دادیم، هر آنچه گسست و جدایی و بیگانگی از مردم در مصوب ما سلطه پیدا کند، زوال شخصیت و هویت سازمان است که رخ خواهد نمود.

یکی از خود سرنگی های رهبری ما در سال های مهاجرت بی اعتباری به حفظ حلقه های ارتباط و پیوند سازمان با داخل کشور و سهل انگاری در استفاده از امکاناتی بود که در راستای گسترش ارتباط و بسط نفوذ سازمان در داخل کشور از آن برخوردار بودیم. چگونه چنین انحطاطی در رهبری ما سر باز کرد؟ این انحطاط مقدم بر اندیشه و عمل این یا آن فرد، محصول این واقعیت اجتماعی

- تعمیر سازمان:
- ۱- سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" شکل داوطلبانه و آگاهانه افرادی است که در راه هدف سوسیالیستی و ارزش های ناشی از آن، به گونه ای سازگار با خود ویژگیهای تاریخی و یگانه پل ارزش های ملی ایران مبارزه میکنند.
- سازمان مبارز راه صلح و مناسبات برابر حقوق در روابط کشورهاست و از استقلال و همبستگی صلح آمیز ملل سراسر جهان دفاع می‌کند.
- پیکار سازمان متوجه تحولات دمکراتیک در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران است. تحولاتی که متضمن حاکمیت مردم، خود مختاری - ملت های ساکن کشور، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، رشد اجتماعی کشور، بهبود محیط زیست، رفاه مادی و شکستگی معنوی مردان و زنان زحمتکش و رنجبر میهن است.
- پایان دادن به رژیم استبداد مذهبی و استقرار دمکراسی در کشور آماج مقدم سازمان می‌باشد.
- عضویت و شرایط آن:
- ۲- عضو سازمان باید حداقل ۱۸ سال داشته و دارای تابعیت ایران باشد.
- ۳- آرمان، اهداف و ارزش های پایه ای سازمان را بپذیرد، در واحد یا ارگان یا واحد سازمان عضویت داشته و یا با یک ارگان یا واحد سازمان در ارتباط بوده و تحت رهبری آن فعالیت نماید.
- تبصره ۱: ارتباط با واحد های سازمانی در داخل کشور توسط واحد های ذیربط تعریف می‌شود.
- تبصره ۲: ارتباط با واحد های سازمانی در خارج کشور با اشترک ارگان مرکزی سازمان و پرداخت کمک مالی تعریف می‌شود.
- ۴- حق عضویت ما هیات خود را بپردازد.
- ۵- از سلامت انبیتی و اخلاقی برخوردار باشد.
- حقوق اغنا:
- ۶- انتخاب شدن و انتخاب کردن برای همه ارگان ها و مسئولیت ها حق هر عضو سازمان است.
- ۷- اغنا دارای حقوق برابرند.
- ۸- عضو سازمان حق دارد نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را در سازمان و یا خارج از آن انتشار دهد.
- ۹- اغنا هم نظر در سازمان حق دارند پیرامون مسائل سیاسی، نظری و سازمانی اجلاس تشکیل داده نظرات خود را تدوین نموده منتشر سازند.
- برگزاری جلسات بحث و گفت و شنود با شرکت نمایندگان نظرگاه های متفاوت در سازمان آزاد است و طرفین مباحثه حق دارند مشروح مباحثات و یا گزارش آن را انتشار دهند.
- تبصره ۱- اینگونه اجلاسها در خارج کشور اکیداً ممنوع است و هر عضو سازمان حق شرکت در آنها را ندارد.
- افراد و کمیته های برگزارکننده مسئول و موظف اند تا این اجلاسها با نامسب نامند.
- تبصره ۲- اینگونه اجلاسها در داخل کشور به ابتکار کمیته های برگزارکننده و در اشکال مقتضی و متناسب با ویژگی های کشور سازمان می‌بایند.
- کمیته های برگزارکننده مسئول و موظفند ارگان مافوق را از تدارک برگزاری چنین جلساتی مطلع ساخته و امنیت اغنا و واحد سازمان را اکیداً رعایت کنند.
- ۱۰- عضو سازمان حق دارد در جلسه ارگانی که به بررسی عملکرد وی می‌پردازد شرکت جسته و توضیحات

- شور را ارائه نماید. تاریخ و محل تشکیل اجلاس باید حداقل ۱۵ روز قبل به اطلاع عضو سازمان رسیده باشد. حکم غیابی بی اعتبار است، مگر آنکه عضو مذکور خود راساً از شرکت در اجلاس خودداری کند.
- وظایف اغنا:
- ۱- اغنا سازمان موظفاند در حد توان و امکان خود در جهت اشاعه آرمان و ارزش های پایه ای سازمان تلاش نمایند و در راه تحقق اهداف سازمان کوشا باشند.
- ۲- اغنا سازمان در خارج کشور اساساً وظایف مربوط به پشتیبانی از جنبش دمکراتیک مردم ایران را برعهده دارند و متناسب با امکاناتی که از آن برخوردارند و شرایطی که در آن قرار دارند در انجام آن اهتمام می‌ورزند.
- ابتکار عمل در زمینه های زیر قابل تأکید است:
- روشنگری افکار عمومی کشورهای میزبان در باره اهداف اجتماعی و اقدامات سرگورگانه رژیم.
- روشنگری درباره اهداف و خواست های جنبش دمکراتیک مردم ایران.
- تحکیم همبستگی احزاب، سازمانها، مجامع و شخصیت های مردمی، دمکرات و صلح خواه کشورهای میزبان با مبارزات و خواست های دمکراتیک مردم ایران.
- برپا ساختن جنبش همیاری با بازماندگان شهدا و خانواده زندانیان سیاسی.
- برپا ساختن جنبش برای تأمین امنیت و آزادی بازگشت مهاجرین به میهن.
- فعالیت در انجمن ها و کانون های کماجرین و تشکیل محافل و نهاد های فرهنگی و هنری و نظایر آن به منظور پاسخگویی به نیازهای حقوقی، اجتماعی و معنوی مهاجرین، با هدف گسترش همبستگی میهنی، اشاعه فرهنگ و شعائر ملی، ارتقای فرهنگ سیاسی و پیش اجتماعی در میان توده مهاجرین ایرانی.
- تلاش مستمر در راه گسترش همکاری و اتحاد عمل اپوزیسیون تریخواه ایران.
- کوشش در راه کسب تجارب و دستاورد های مردم کشور میزبان و استفاده از امکانات علمی- فنی و پژوهشی این کشورها جهت ارتقای ظرفیت های علمی، فنی و تخصصی.
- ۱۳- تعیین وظایف اغنا سازمان در داخل کشور و یافتن اشکال شریخی و مکانیزم های زنده و مؤثر فعالیت آنان در صلاحیت واحد های سازمان در داخل کشور است.
- ۱۴- عضو سازمان موظف به حفظ اطلاعات امنیتی سازمان است.
- تبصره: آنچه که غنی شدن آن امنیت اغنا و واحد های سازمان را مورد مخاطره قرار دهد، اطلاعات امنیتی تلقی میشود و بی اعتباری هر عضو سازمان بدان از تذکرات لغو عضویت را در پی دارد.
- عضوگیری:
- ۱۵- تقاضای عضویت داوطلب، همراه با معرفی نامه و عضو سازمان در جلسه پایه مورد بررسی قرار گرفته و تصمیم لازم اتخاذ می‌گردد.
- تبصره ۱: عضوگیری در سازمان بطور انفرادی صورت می‌پذیرد.
- تبصره ۲: مجموع شرایط مذکور در ماده ۲ تا ۵ این کار پایه برای پذیرش عضویت لازم است.
- ۱۶- گزارش تصمیمات اتخاذ شده در مورد پذیرش عضو جدید به ارگان های مسئول ارائه میشود.
- ارزش گذاری:
- ۱۷- فعالیت در راستای تحقق اهداف، ارزشها

طرح کار پایه تشکیلاتی در شرایط مهاجرت

بقیه از صفحه ۸

لیبرالیسم یا استبداد فردی

بقیه از صفحه ۶

برنامه رفسنجانی طیف راست حکومت و (تحدودی) جامعه را پشت سر خود متحد کرده است. در این اتحاد، البته جنبه های موردنمازه و ستیز فراوان است. جریان رسالت خواهان میدان دادن بدون حساب و کتاب به غارتگری سرمایه داری است و با کنترل دولتی در هیچ عرصه ای موافق نیست. در مسایل اجتماعی و فرهنگی نیز رسالت داری مواضعی کاملا ارتجاعی و افراطی است. این جریان می کوشد برنامه بازسازی را هر چه بیشتر به راست بچرخاند. علیرغم اختلافات زیاد، ضرورت حذف خط امامی ها، رسالت را همچنان در کنار رفسنجانی نگاه داشته است.

در برابر ائتلاف راست به رهبری رفسنجانی، ادامه دهندگان خط امام در حکومت صف کشیده اند. تندروها با هیچ عرصه ای از عرصه های پیش گفته برنامه رفسنجانی موافق نیستند. این نیرو امروز مجموعه های بی شکل، فاقد انسجام و به ویژه برنامه است که شکاف در آن در حال ژرفش است اما عناصر اساسی جامعه اتوپیایی اش همان چیزی است که خمینی بیانگر اصلی آن بود. یک جامعه صدر صد اسلامی، فقر زده بی توجه به "مادیات"، منزوی، عقب مانده، توطن دگر و در زیر سیطره خشن ترین و عقب مانده ترین استبداد مذهبی. به همان نسبت که خط امام به حاشیه حکومت رانده میشود و پیش از این خصلت اپوزیوسی می یابد، مبارزه آن علیه باند ائتلافی راست شدت می گیرد و عناصر تازه مورد ستیز از جمله بر سر آزادی خویشی (که با انگیزه دفاع از خود مطرح می شود) از سوی بخشی از این نیرو به اختلافات پیشین اضافه می شود.

در قضاوت نسبت به نبرد شدیدی که در حکومت جاری است باید استفاده از روش سنتی ترجیح یک جناح بر جناح دیگر را کنار نهاد. اهدافی نظیر دموکراسی، عدالت، استقلال، تجدید و پیشرفت جامعه را مبنای قرار داد. مبارزه دو "باطل" افراطی ترین و ارتجاعی ترین مواضع همواره از آن یک جناح نیست. ترجیح دادن رفسنجانی به خط امام یا بالهکس بدون توجه به عرصه های معین مبارزه و مواضع طرفین اشتباه است. باید با ملاحظاتی هم

چون استقبال از هر گونه تلاشی در جهت قلبه بر بحران و فروپاشی اقتصاد کشور و در همین حال دفاع مستمر و پیگیر از حقوق زحمتکشان در برابر غارتگری تجار و سرمایه داران، استقبال از هر تلاش جهت پایان دادن به انزوای مخرب ایران در عرصه جهانی و در همین حال دفاع مستمر و پیگیر از منافع ملی، استقبال از هر گشایش در فضای اجتماعی و فرهنگی و بالاخره و مجتمردانه همه استقبال از هر ندای آزادی خواهانه و مبارزه پیگیر علیه هر حرکت استبدادی و سرکوبگرانه نسبت به مبارزه جناحهای حکومتی و برنامه رفسنجانی موضع گرفت.

۴- خطرناکترین عنصر در برنامه و سیاستهای رفسنجانی تلاش او برای استقرار یک دیکتاتوری فردی و تمرکز قدرت است. اگر رفسنجانی به چنین هدنی دست یابد و بتواند بحران سیاسی حاکمیت را برفع استبداد فردی خود حل کند، نه تنها قادر خواهد شد پایه های رژیم ارتجاعی را تثبیت کند، بلکه استبداد سیاسی در جامعه رانیز تشدید خواهد کرد. جناحهای حکومتی بدلیل توازن توأ و رقابت شدید تاکنون از آزادی نسبی در بیان نظرات خود برخوردار بوده اند. این آزادی نسبی علیرغم اختناق حاکم بر کل جامعه، موجب بازماندن منافذی برای بروز مخالفت با حکومت شده، موثرترین وسیله افشاگری در جهت کل رژیم و حفظ فضای انتقاد و اعتراض در جامعه بوده و به عدم تثبیت و تضعیف مجموعه حکومت کمک کرده است. مبارزه ما باید به گونه ای باشد که به این تضادها دامن زند و مانع تثبیت حکومت اسلامی در هر چهره و زیر پرچم هر جناحی گردد. از همین رو اکنون که رفسنجانی در راس ائتلاف راست در کار حذف مخالفین حکومتی خود و هموار کردن راه یک استبداد فردی و تمرکز قدرت است، باید با این تلاش و روشهای ضد دموکراتیک او سختی علیه مخالفین به شدت ارتجاعی اش - به شدت مقابله کرد. دستگیری نمایندگان مجلس، اشغال دفاتر گروه های مخالف، زمه های تعطیل روزنامه های مخالف و اقدامات نظیر آن حتی در جنبه ارتجاعی تنها نشانگر گسترش بیشتر استبداد و اختناق تابالترین لایه های حکومتی است و نه نشانه های بروز لیبرالیسم سیاسی. در این مرحله ما باید مرکز توجه، افشاگری و مبارزه خود را علیه برقراری و تثبیت استبداد فردی و مطلقه رفسنجانی قرار دهیم.

۶۶- ارگان های سازمان بطور متقابل موظف به گزارش دهی و گزارش گیری میباشند.
 ۶۷- تنوع عقاید سوسیالیستی میتواند بصورت تنوع پلاتفرم های مشخص بروز کند. طرفداران هر عقیده و پلاتفرمی حق دارد از طریق نشریات سازمان مواضع و نظرات خویش را بنام خود انتشار دهند.
 ۶۸- در صورت تبلور جریانات نظری-سیاسی در پلاتفرم های مشخص باید مکانیزمی اختیار نمود تا هر پلاتفرم به نسبت تعداد آرایش در ارگان های مسئول نمایندگی داشته باشد. در غیر این صورت انتخابات به طریق نسبی انجام خواهد گرفت.
 ۶۹- هر عضو سازمان حق دارد پیرامون مسویات، تصامیم و اقدامات ارگان رهبری و یا هر یک از مسئولان سازمان، سوال خود را مطرح کرده و پاسخ آنرا طلب کند.
 ارگان و مسئولانی که مورد سوال واقع میشوند موظف اند در فاصله حداکثر یک ماه به سوالات مطرحه در سطح مقتضی پاسخ بگویند.

۷۰- امور مالی:
 ۷۰- درآمد سازمان از محل دریافت حق عضویتها، کتک های مالی هواداران، فروش نشریات و طرحهای مصوب مالی تامین میگردد. مسئولین مالی باید بطور اداری گزارش عملکرد مالی حوزه فعالیت خود را تنظیم و به ارگان های مسئول ارائه نمایند.
 ۷۱- اجلاس ها و ارگان های سازمان باید زمان و جایگاه مناسبی برای رسیدگی به مسائل و گزارشات مالی در نظر گرفته با کارست امکانات و ابتکارات برای افزایش درآمد مالی تلاش نمایند.
 ۷۲- توزیع درآمد های سازمان مبتنی بر نیازمندی های واحد های سازمانی است و بر پایه طرح های پیشنهادی مسئولان مالی با توافق ارگان مسئول واحد مربوطه و شورای مرکزی انجام میگردد.
 تبصره: وجوه حاصل از فروش نشریات مرکزی و سایر فعالیت هایی که به ابتکار و درخواست سازمان مرکزی صورت میگیرد، مستقیما به صندوق های مرکزی مربوطه واریز میشود.

هیئات داری:
 ۷۲- در هر کنگره یک هیأت داری ۵ نفره از افراد داوطلب انتخاب میشود.
 هیأت داری بر نحوه اجرای کار پایه تشکیلاتی توسط ارگان های مرکزی، منطقه ای و محلی نظارت میکند و به شکایات و اعتراضات اعضا از ارگان ها و اعضای آنها رسیدگی مینماید. گزارش هیأت داری در کنگره مورد بررسی قرار میگردد.
 هیأت داری حق دارد از ارگان ها و اعضای آن ها در زمینه وظایف خود سوال کند و بصورت جلسات، اسناد و نامه های ارسالی یا اصله به ارگان های مزبور دسترسی داشته باشد.
 هیأت داری موظف است نتایج تحقیقات خود را در ارگان های سازمانی منتشر سازد.

فعالین و واحد های سازمان در داخل کشور را نمایندگی نمیکند کنگره برون مرزی سازمان نامتحدده میشود.
 ۵۵- مصوبات کنگره برون مرزی برای فعالین و واحد های سازمان در داخل کشور لازم الاجرا شناخته نمیشوند و به لحاظ حقوقی مسئولیتی را متوجه آنان نمیسازد.
 ۵۶- کنگره برون مرزی عالیترین مرجع تصمیم گیری واحد های سازمان در خارج کشور است که با شرکت نمایندگان انتخابی واحد های برون مرزی هر ۲ سال یکبار تشکیل میگردد.
 ۵۷- تعیین سمتگیرهای عمومی، اصلاحات ضرور در مبانی سیاسی و کار پایه تشکیلاتی واحد های برون مرزی سازمان، انتخاب شورای مرکزی، گروه های کار مرکزی و هیأت داری از اهم وظایف کنگره برون مرزی است.

کنگرسره فوق العاده:
 ۵۸- بر حسب ضرورت کنگره فوق العاده بنا به درخواست شورای مرکزی یا اعضای واحد های برون مرزی سازمان فراخوانده میشود.
 ۵۹- چنانچه شورای مرکزی از برگزاری کنگره فوق العاده مورد درخواست اعضای احتراز جوید آنها مجازند کمیته برگزار کننده کنگره فوق العاده را انتخاب و کنگره برون مرزی را فراخوانند.
 مناسبات درون سازمانی:
 ۶۰- شالوده مناسبات درون سازمانی بر اصل رفاقت، اعتدال متقابل و تنوع عقاید سوسیالیستی بنا میگردد. بر اساس این شالوده دگرگونی درون حزبی مبتنی است بر: مباحثه و تبادل رفیقانه نظرات، آزادی انتقاد و انتخاب آزاد و آگاهانه مواضع، آراء و اندیشه ها.

۶۱- مسئولین در تمامی سطوح از طریق انتخاب بات، با رأی مستقیم و مشخص برگزیده میشوند و در مقابل مجامع و کنفرانس هایی که آنها را انتخاب کرده اند پاسخگو هستند.
 تبصره: پذیرش مسئولیت داوطلبانه و اجرای آن الزامی است.
 ۶۲- تنوع عقاید سوسیالیستی و عملکرد واحد اعضا جزو ارزش های سازمان است.
 ۶۳- تصمیم گیری در هر واحد حزبی از سازمان محلی تا شورای مرکزی بر مبنای رأی اکثریت، احترام به نظر و حقوق اقلیت و با روح توافق و پیشرفت کار صورت میگیرد.
 ۶۴- نظر و تصمیم اکثریت هر ارگان، نظر و تصمیم آن ارگان تلقی میشود. نظر و موضع اقلیت یا اقلیت های هر ارگان به موازات نظر و تصمیم اکثریت انتشار نمی یابد.
 ۶۵- اقلیت مخالف تصمیم نمیتواند مانع اجرای آن شود، اکثریت هم نباید اقلیت مخالف تصمیم را برای اجرای آن تحت فشار قرار دهد. در هر حال نباید اقلیت را به اجرای تصمیمی که مغایر اصول اعتقادی اوست ملزم ساخت.

پیوست:
 ۱- شورای مرکزی از طریق گروه کار داخل موظف است امکانات سیاسی و مالی واحد های سازمان در خارج کشور را برای یافتن اشکال ارتباط با داخل کشور بکار آید.
 واحد های برون مرزی از ابتکار شورای مرکزی در حفظ و تحکیم ارتباط با مبارزات مردم ایران پشتیبانی میکنند.
 ۱- فعالین و واحد های سازمان در داخل کشور در زمینه ایجاد واحد های ارتباطی بمظور تماس با شورای مرکزی مختار و مستقل شناخته میشوند. آنها میتوانند از امکانات تئوریک، سیاسی، مالی و اطلاعاتی و ... شورای مرکزی، به تشکیل واحد های ارتباطی در بیرون از مرزهای کشور مبادرت نمایند.
 شورای مرکزی موظف است امکانات سیاسی و مالی واحد های سازمان در خارج کشور را در خدمت استقرار اینگونه واحد های ارتباطی و رفع نیازمندیهای آنان در آورد.
 ۲- گروه کار داخل مسئول حفظ ارتباط و محل رجوع فعالین و واحد های داخل کشور است. آئین نامه اجرائی گروه کار داخل در سازگاری با سیاست ناظر بر سازماندهی نیروها در داخل، تنظیم شده و مناسبات اعضای آن تابع قرارها و موازین تشکیلاتی واحد های داخل است.

ماده الحاقی:
 این کار پایه مشتمل بر ۷۲ ماده و یک پیوست ۳ ماده ای، تا کنگرسره آتی و حداکثر به مدت ۲ سال دارای اعتبار است.
 سلب اعتبار، اصلاح و یا تجدید اعتبار کار پایه از وظایف کنگرسره عادی و یا فوق العاده است.

پنجاهمین سالگرد تهاجم فاشیسم به شوروی



پنجاه سال پیش، ساعت سه و پانزده دقیقه بامداد روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، نیروهای چند میلیون نازی ارتش آلمان فاشیستی با نقض پیمان عدم تجاوز میان آلمان و شوروی، در امتداد جبهه‌ای به طول بیش از هزار کیلومتر، به خاک شوروی تجاوز کردند. جنگ چهار ساله میان آلمان و شوروی، مخرب‌ترین، پرتلفات‌ترین و دهشتناک‌ترین جنگ تاریخ بشر آغاز شد. فاشیست‌ها در این لشکرکشی ضدبشری، ۲۷ میلیون تن از شهروندان شوروی را کشتند. این، یک جنگ معمولی نبود. دستور نابودی ملل اسلاوا صادر کرده بود تا "نقشای حیات" در شرق برای ملت آلمان باز شود. در شرق اروپا بود که کوزه‌های آدم سوزی و اتاقهای گاز هیتلری برپا شد و در آنجا بود که فاشیست‌ها مملکت‌های غیربشریت را بر تکیه شدند.

پنجاهمین سالگرد تهاجم فاشیست به شوروی، یادآور این درس بزرگ است که امپریالیسم، خاستگاه فاشیسم، هنوز زنده است و اگر چه بشریت بر دست و پای او لجام‌هایی نهاده، هنوز در اندیشه تسلط بر کل جهان است. نه شکست نظامی که فاشیسم را نابود کرد و نه هیچ تحول دیگری، این درس بزرگ را از خاطره‌ها محو نخواهد کرد.

تأرا می مجدد در الجزایر

ارتش عدا جاتن را دستگیر کردند. روز ۲۵ ژوئن بنیادگرایان هنگامی که پلیس قصد پایین کشیدن تابلوها و شعارهای آنها را ساختمان‌های شمرداری را داشت، با سنگ به افراد پلیس حمله کردند. مأموران پلیس به این حمله با گاز اشک‌آور پاسخ دادند و دست به تیراندازی به سوی افرادی زدند که از مخفیگاه‌ها پلیس را هدف شلیک گلوله قرار داده بودند. دستور وارد عمل شدن پلیس را فرماندهی ارتش داده بود که از هنگام اعلام مقررات فوق‌العاده در الجزایر مسئول برقراری نظم و آرامش است. طبق این دستور باید تابلوهای تظلم "شهرداری اسلامی" از سر در ساختمان‌های بدنبال زد و خوردهای خونین میان بنیادگرایان اسلامی و پلیس در الجزیره بار دیگر تانک‌های ارتش در خیابان‌ها موضع گرفتند. شب چهارشنبه ۲۶ ژوئن ارتش الجزایر خیابان‌ها و میادین مهم پایتخت را اشغال کرده دست به کنترل محلاتی زدند که مراکز طرفداران مسلمانان رادیکال محسوب می‌شود. تا به حال آمار از تعداد قربانیان درگیری‌های هفته گذشته منتشر نشده است. خبرگزاری دولتی الجزایر گزارش داد یک نوجوان ۱۵ ساله که روز ۲۵ ژوئن در حال سنگ‌سازي بود، هدف شلیک گلوله پلیس قرار گرفت و کشته شد. گفته می‌شود در تأرا می‌های جدید الجزیره صدها تن مجروح شده‌اند. پلیس و

گزارش سازمان ملل درباره زنان

پرداخت دستمزد در سیده‌اند، اما با رشد سرمایه‌داری در این کشورها، این خطر وجود دارد که این حداز برابری از میان برود. طبق گزارش سازمان ملل، زنان در تقسیم مسئولیت‌های دولتی و اجتماعی نیز مورد تبعیض قرار دارند. تنها ده تا ۲۰ درصد پست‌های مدیریت جهان را زنان اشغال کرده‌اند. در سال ۱۹۸۷، کمتر از ده درصد کرسی پارلمان‌ها به زنان اختصاص داشت. این سهم در شوروی و اروپای شرقی ۲۸ درصد بود، اما از هنگام چرخش ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ رو به کاهش است. گزارش سازمان ملل "وجه تاریک برابری" را این واقعیت می‌داند که در کشورهای صنعتی تعداد هر چه بیشتری از زنان، بر اثر عواملی جان می‌سپارند که در گذشته مخصوص مردان بود: الکلیسم، مصرف دخانیات، سوانح رانندگی و خشونت.

نوزادان دختر در چین، سوزاندن زنان بیوه همراه با اجساد شوهران آنها در هند و "قتل به خاطر جهیزیه" در همین کشور. در برخی نقاط هند مرسوم است که داماد یا پدر و مادر او اگر جهیزیه هروس به نظرشان کمتر از حد لازم بیاید، هروس را به قتل برسانند.

در گزارش سازمان ملل آمده است در مقیاس کل جهان، زنان شافل به طور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از مردان دستمزد می‌گیرند، در حالیکه مثلا در آسیا آفریقا تا ۱۳ ساعت در هفته بیشتر از مردان کار می‌کنند. معمولاً زنان آخرین نفراتی هستند که استخدام میشوند و اولین کسانی هستند که اخراج می‌شوند. گزارش می‌افزاید در شوروی و اروپای شرقی زنان نقش بیشتری در اقتصاد داشته و بیش از زنان سایر کشورها به برابری در

ده سال مانده به پایان هزاره دوم میلادی، زنان در سراسر جهان و در همه عرصه‌های زندگی کماکان مورد تبعیض قرار دارند. این، نتیجه گزارشی است که هفته گذشته سازمان ملل متحد تحت عنوان "زنان جهان از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰" انتشار داد.

زنان در همه کشورها به استثنای بنگلادش، بوتان، مالدیو و نپال بطور متوسط هم‌ری طولانی‌تر از مردان دارند. با این حال در جهان تعداد مردان از زنان بیشتر است. سال گذشته از ۵/۳ میلیارد نفر زمین، ۲/۶۳ میلیارد نفر زن بودند. گزارش سازمان ملل این امر را از جمله ناشی از این می‌داند که دختران و زنان در بسیاری نقاط جهان در زمینه تغذیه و تامین خدمات بهداشتی مورد تبعیض قرار دارند. عوامل دیگر عبارتند از قتل

تغییر رهبری در حزب کمونیست ویتنام



دو مونی دبیر کل جدید حزب کمونیست ویتنام

کنگره هفتم حزب کمونیست ویتنام که در روز ۵ شنبه ۲۷ ژوئن به کار خود پایان داد تغییرات مهمی در رهبری حزب کمونیست ویتنام ایجاد کرد. دو مونی (۷۴ ساله) نخست وزیر ویتنام به جای نکونین دان لین (۷۶ ساله) به سمت دبیر کل حزب انتخاب شد. نکونین وان لین دیگر در دفتر سیاسی حزب نیز حضور نخواهد داشت. علت برکناری او را ناتوانی وی در نزدیک کردن دیدگاه‌های مختلف در حزب کمونیست ویتنام به یکدیگر، می‌دانند. از سیزده عضو دفتر سیاسی هشت تن آنها در کنگره تغییرات یافتند. در پی این تغییرات انتظار می‌رود که در ماه ژوئیه دولت نیز تغییر کرده و با برگزاری انتخابات رئیس جمهوری تازه‌ای برگزیده شود. هنوز جزئیات مباحث کنگره هفتم حزب کمونیست ویتنام انتشار نیافته است. انتظار می‌رود این کنگره نقطه عطفی برای تغییر سیاست‌های اقتصادی در ویتنام باشد.

بن بست مذاکرات کامبوج

هنگام انتقال مقر خود به پنوم پن راه‌مندی نمی‌داند، در حالی که روز ۲۵ ژوئن نمایندگان شورای انتقال مقرر آن به پنوم پن را تصویب کرده بودند. خبرهای سرخ نخست‌باین انتقال مخالفت کرده و گفته بودند در این صورت تامین جانی برای نمایندگان آنها وجود نخواهد داشت.

موثر سازمان ملل در کامبوج است. به گفته شاهزاده نوردوم سیانوک رئیس "شورای عالی ملی" کامبوج که در آن نمایندگان دولت و شورشیان حضور دارند، اجلاس‌اتی این شورا تا اواسط اوت در بانکوک برگزار خواهد شد. این امر نشانه آن است که شورا تا آن

مذاکرات سه روزه صلح برای کامبوج بدون توافق در مسئله محوری نظارت بر آتش‌بس در شهر پاتای تایلند به پایان رسید. خبرهای سرخ خواهان احترام صدها ناظر سازمان ملل برای کنترل آتش‌بس و منع ورود اسلحه به کامبوج شدند. در مقابل، دولت پنوم پن از ایجاد یک دفتر میانجی‌گری سازمان ملل طرفداری میکند. قرار است اواسط اوت مذاکرات در چارچوب "شورای عالی ملی" کامبوج در بانکوک ادامه یابد.

در مذاکرات هفته گذشته دولت کامبوج و شورشیان این کشور توافق کردند که تحویل اسلحه به طرفین جنگ داخلی از سوی کشورهای خارجی متوقف شود. در دور آتی مذاکرات باید برای یافتن سازشی در مورد مسئله نظارت بر آتش‌بس تلاش شود. روز ۲۶ ژوئن خبرهای سرخ که مورد حمایت چین قرار دارند مخالفت خود را با ایجاد یک دفتر میانجی‌گری سازمان ملل اعلام داشتند و خواهان اعزام ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر از نیروهای سازمان ملل برای نظارت بر آتش‌بس شدند. معلوم نیست چرا خبرهای سرخ بر این تعداد ناظر پانشاری می‌کنند. هون سن نخست وزیر کامبوج این ادعا را که دولت وی مخالف نظارت بر توافق‌ها از سوی سازمان ملل است، رد کرد. وی گفت او خواستار حضور نظامی

یوگسلاوی: خطر جنگ داخلی منتفی نشده است

برقراری آتش‌بس در ساعت ۱۷ به وقت محلی از سوی آنته مارکوویچ نخست وزیر یوگسلاوی اعلام شد. ارتش نیز اعلام کرد "جبهه خطوط مرزی را تحت کنترل خود در آورده" و با دستیابی به هدف‌های تعیین شده به حملات خود پایان می‌دهد. اعلام آتش‌بس مبنی بر توافق بر روی این مسأله است که جمهوری‌های اسلوونی و کرواسی به مدت سه ماه تصمیم خود به جدایی از فدراسیون یوگسلاوی را به حالت تعلیق در آورند و در عوض صربستان از مخالفت خود با سپردن پست ریاست جمهوری کشور به مسیح رئیس‌جمهور کرواسی صرف نظر کند. این توافق‌ها بسیار شکننده‌اند. مشخص نیست که آیا در سه ماه آینده در یوگسلاوی یک توافق پایدار در زمینه آینده کشور در رابطه جمهوری‌ها و ملیت‌های آن با یکدیگر شکل خواهد گرفت یا نه. در یوگسلاوی هنوز خطر بروز یک جنگ تمام عیار داخلی منتفی نشده است.

صرب، تانک‌های ارتش یوگسلاوی مواضع حساس را اشغال کردند. روز ۲۷ ژوئن لیوبلیانا پایتخت جمهوری اسلوونی شاهد عملیات گسترده نیروهای ارتش یوگسلاوی بود. در روز ۲۸ ژوئن نیروی هوایی فو دوگاه لیوبلیانا را بمباران کرد برای این که نیروی مقاومت محلی این جمهوری را از این موضع حساس بیرون براند. هنوز مشخص نیست این درگیری‌ها چه میزان کشته، زخمی و ویرانی به بار آورده است. جامعه اروپا با تجزیه یوگسلاوی مخالف است. شورای امنیت و همکاری در اروپا در نشست دو هفته پیش خود در برلین خواهان حفظ یکپارچگی یوگسلاوی شده‌است. پس از بروز درگیری‌های اخیر، در بازار مشترک اروپا فعالیت دیپلماتیک پرشتابی برای پادر میانی بین طرف‌های درگیر در یوگسلاوی آغاز شد. در روز جمعه ۲۸ ژوئن در یوگسلاوی حالت آتش‌بس اعلام شد.

پتیه از صحنه اول یوگسلاوی اعلام جدایی دو جمهوری را محکوم کرد. دادستان فدرال این کشور، اقدام دو جمهوری را به عنوان نقض تمامیت ارضی کشور مشمول پیگرد دانست. رئیس مجلس شورای فدرال یوگسلاوی اعلام استقلال دو جمهوری را بی‌اعتبار خواند و گفت تغییر مرزهای یوگسلاوی تنها با تصویب پارلمان فدرال امکان پذیر است. آنته مارکوویچ نخست وزیر یوگسلاوی قبل از اعلام استقلال کرواسی و اسلوونی به این دو جمهوری هشدار داده بود که جدایی از یوگسلاوی می‌تواند این کشور را دستخوش جنگ داخلی و تبدیل به خطری برای ثبات اروپا کند. روز ۲۶ ژوئن ارتش یوگسلاوی در جمهوری‌های کرواسی و اسلوونی وارد عمل شد. در کرواسی به دنبال زد و خوردهایی میان نیروی پلیس این جمهوری و شبه نظامیان

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR Vol.3 No. 13 Wed 3 JUL 1991	ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: M.ABD NR-35263011	کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY
Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	آدرس: